

آسیب‌شناسی عدم استمرار ارتباط مردم با مساجد
سنگری که هُو زیاد دارد

یک هشدار علمی درباره اصلاح الگوی مصرف
تخت گاز در اتوبان مصرف

۵

۶



بعضی از پیامدهایی که
مدگرایی خواهد داشت

لانه کردن مُد در ذهن

شیوه قب و اگیردار در بین جوانان

وقتی مُد می‌شود
مُد!

کدام هدف؟ کدام وسیله؟

چه قدر از این دنیا پر زرق و برق
بی نیازی؟ از چه چیزهایی بی نیازی؟ اصولاً
چه قدر باید بی نیاز بود؟

تا به حال به این اندیشه‌ای که چه
مقدار وابسته‌ی دنیا اطراحت شده‌ای؟
البته نه به معنای فاصله یکی - دو متری
پیرامونت! به این معنا که چقدر به وسائل
و اسباب زندگی روزمره‌ات واسته شده‌ای؟
همین الان می‌توانی حتی دقیقه‌ای را بدون
ایترنوت و موبایل و خیلی چیزهای دیگر
متصور شوی؟

منظور این نیست که همه انسان‌ها از
بزرگ و کوچک باید گرسنگی بکشند و به
صومعه بروند و ترک دنیا کنند! اتفاق مسیر
درست تکامل از نیازهای مادی می‌گذرد؛
سعده و حافظه و خیلی از بزرگان دیگر
که از ابتداء عارف به دنیا نیامدند، آن‌ها هم
بازی می‌کردند؛ ازدواج می‌کردند؛ خانه
و مرکب خود را داشتند تا به بالاخره به
جایی رسیدند که تشخیص دادند حقیقت
چیز دیگری است (رسد آدمی به جایی که
به جز خدا نبیند). از این مرحله است که
لذت واقعی و دائمی شروع می‌شود، لذت
عشق ورزیدن به خدا. در این جستجوی
معبدود یاد می‌گیریم که برای نزدیک شدن
به خدا و کنار زدن حجاب‌ها و اتصال، باید
"سعی" کرد و از امیال دنیوی چشم پوشی
کرد؛ از غذا (روزه)، از خواب (عبادت در
شب)، از فرزند (ذبح اسماعیل) و از جان
خود (شهادت) ...

جالب آن جاست که در ابتدای مسیر
زنده‌گی این مسیر درست بر عکس
است یعنی به خدا روی می‌آوریم (دعای
می‌کنیم) که آرزوهای مان - که عموماً
مادی هستند - برآورده شود؛ یعنی خدا
"وسیله" و نیازهای مان "هدف" هستند. اما
اگر خداوند آن رشد و بلوغ را نصیب مان
کند جای این دو تا با هم عوض می‌شوند
یعنی نیازهای مادی که قبله هدف بودند؛
می‌شوند وسیله، و حتی حاضریم برای
رسیدن به هدف (خدا) همه مادیات - که
برای رسیدن به آن‌ها کلی به در و دیوار
زده بودیم - یکباره فدا کنیم.
خدایا! داریم می‌آییم به میهمانی ات،
احتمالاً حالاً حالاًها تا رسیدن به آن
رشد و بلوغ و فکری که جای هدف و
وسیله‌مان عوض شود خیلی کار داریم
ولی می‌دانیم: ماه مبارک، ماه رفتون ره صد
ساله حتی در یک شب است؛ بنابراین اگر
می‌شود خودت هدف و وسیله‌مان را در
جای خودش قرار بده!

برای نسلی که پا بر هنره می‌دود

[مهدی مرادپور]
خوانندگان جان، که شما باید... بادم می‌آید آن زمان‌ها پدر پدر بزرگ بندۀ ناگهان
صدرا کرد که بیا بچه این جا نصیحت کنم! بندۀ هم که هنوز چند صباخی
بیش از خدا عمر نگرفته بودم رفتم مقابل ایشان نشستم تا بندۀ را نصیحت
کند و به چهره ایشان خیره شدم! گفت: "برو کار می‌کن مگو چست
کار / که جان دارد و جان شیرین خوش است... بین بچه جان تو
هنوز بچه‌ای نمی‌فهمی..."

بندۀ هم خندنام گرفت و وسط کلام ایشان خواستم بگویم شعر
این نیست که با عصباتی سرم داد کشید: "بچه جان تو بجهای
نمی‌فهمی من ۹۹ سال از خدا عمر گرفتم این نصیحت را از
پدر پدر بزرگ بایا جان خدا بایام رزم گوش کرد شنیدم سینه به
سینه یک بار توی حرفاً بزرگ‌ترهای شما می‌دویدم! هر چه گفتند
گفتیم چشم! شما دیگر چه نسل بی ادب و..."
پیش خودم فکر کردم اگر این همه سال یک
نفر توی حرفاً بزرگ‌ترهای شما می‌دوید،
امروز شعر را برای ما غلط نمی‌خواندید!



کارگردان خوشبخت

شکایت رسمی خانه سینمای ایران از سلحشورا

"سلحشور" کارگردان خوشبخت سریال
حضرت یوزارسیف آنقدر به بازیگران و
کارگردانان سینمای ایران بد و بیراه گفت
و همه را به باد انتقاد سینمایی و اتهام‌های
اخلاقی بست تا بالآخره "خانه سینمای
ایران" تصمیم گرفت از جانب سلحشور
شکایت کند!

سلحشور که آخرین کارش سریال تاریخی
و به یادماندنی حضرت یوزارسیف بود که
جهان را (در بازار قرقیزستان هم سینه‌های
با طرح حضرت یوزارسیف به فروش
می‌رسید!) تحت تاثیر خود قرار داد عنوان
کرد: این نهاد صنفی به جای حمایت از
پدیدآورندگان سریال "یوسف پیامبر(ع)"
از من به سبب ابراز عقایدمن درباره ماهیت
سينما و وضعیت این هنر در ایران، شکایت
کرده است!

باید خدمت ایشان عرض کرد که عزیزم
دلیل نمی‌شود همه پدیدآورندگان این سریال
تا روز قیامت تحت حمایت و نگهداری قرار
بگیرند و هر چی خواستند نسبت به عوامل
سينمایی ایران بگویند!

۳ ایران رسمًا اعلام کرد: فاچاق مواد
محدر به ایران ۱۴۰ درصد افزایش یافه است!
نظر "نقیقی قاچاقچی" در این مورد چیست?
تصدق! اژون هر کی دوشت داری دیگه
مارو وارد شیاشت نکن!

■ جومونگ!
■ بیبیب هور!!!
■ رفقا دست، رفقا دست، حالا بر عکس!
■ داداش واشه همین اهل دل به ایران می‌گن:
■ دیگر کند فقط اسمش سهراب و رستم و
این‌ها نبوده باشه!

۱ هفته پیش یک کارمند
اصفهانی میانسال و متاهل
که چند فرزند هم دارد با مراجعته به ثبت
احوال درخواست کرد نامش را به
تغیر دهند!

■ باور کنید همان گرینه اول صحیح است...
■ به خدا شوختی نمی‌کنم خیلی هم اصرار
داداش! تهاجم فرهنگی فقط مال غربه مگه؟!
■ خدا کند فقط اسمش سهراب و رستم و
این‌ها نبوده باشه!

۴ برای جلوگیری از قاچاق
یکی از شهرهای شمالی کشور
را آندازی می‌شود.
■ آسفالت کردن طبیعت!
■ مواد مخدر - مرغ صنعتی
■ انسان - عروسک
■ غذاها - سیراب شیردان صنعتی
■ فناوری

۲ دکتر ولایتی: در حوزه
از همه کشورهای

اسلامی جلوتریم!
■ اسفلات کردن طبیعت!
■ واردات سبب آمریکایی!
■ اشاعه فرهنگ کره‌ای!
■ سیگار - سیگار آمریکایی



شاهنامه

سهراب پیامک فرستاد: بابا جان! پس کی
تماشای نمایش بندگی مایی... از فردا حتی نام
را نانده شده‌ات از اذکار حذف می‌شود!... از فردا
می‌آمی که تو را بینم؟
رستم پاسخ فرستاد: من هم دوست دارم تو را
بینم پسرم، فقط فردا را باید با پهلوان سرزمین
توران کشته بگیرم بعد!
نوشته شده در ویلگ
"و بدانیم اگر"

داد تو اسیر در غل و زنجیر عاجزانه، ناچار به
تماشای نمایش بندگی مایی... از فردا حتی نام
آن روز که پینه‌های پیشانی ات جلوی نور
چشمانت را گرفت و ندیدی عظمت

آفریننده‌ات را، آن لحظه‌ای که مقام ناچیزت
را بزرگ دیدی و پنداشتی مقرب شدی،
آن موقع که متکرانه چشم در چشم پدر
خاکی ام دوختی و گفتی: "من! من به تو
سجده کنم؟ تو گل بد بوا! تو که هستی که
هم چو منی در برابرت تعظیم کنم!"

باید به فکر این روزها می‌بودی! فردا روز
من است و تو حتی اگر کینه‌ات به وسعت
تاریخ زندگی پیش باشد باز هم نمی‌توانی
کار بکنی. فردا که صدای تکبیر موزن
نوید آغاز روزهای گرسنگی و تشنگی را

روزهای آنلاین

[برگ رضایی] [www.ronline.blogfa.com]

روزهای من مبارک

صدای نعمراش را می‌شنوی؟ هر سال همین
موقعها که می‌شود عربه‌اش بلند می‌شود!
آن روز که پینه‌های پیشانی ات جلوی نور
چشمانت را گرفت و ندیدی عظمت

آفریننده‌ات را، آن لحظه‌ای که مقام ناچیزت
را بزرگ دیدی و پنداشتی مقرب شدی،
آن موقع که متکرانه چشم در چشم پدر
خاکی ام دوختی و گفتی: "من! من به تو
سجده کنم؟ تو گل بد بوا! تو که هستی که
هم چو منی در برابرت تعظیم کنم!"

۵

۶
۷
۸
۹

حصادت منو گشته مگس!

دانشمندان خارجی‌گینی در ساخت خودروهای گوناگون و صنایع وابسته در مقابل ما کم آورده‌اند و خودشان را زده‌اند به کشف روایات حیوانات و کودک درون مگس و این‌ها! به تازگی کشف کردند حیوانات هم حسودی می‌کنند و مثلاً وقتی صاحبان به یک حیوان دیگر یا حتی یک انسان دیگر محبت می‌کنند دچار حصادت می‌شود و دلش می‌شکند! بنده می‌دانم بعد از خواندن این خبر خانم‌های گرامی دیگر هیچ‌گاه در مقابل چشم‌مان یک گاو به همسرشان نگاه نمی‌کنند.

بُوي خوش آسفالت

بعد از کوه دماوند که به ذهن خودش و مارمولک‌ها و بزها و لکلک‌های اطرافش هم خطور نمی‌کرد که روزی انسان‌ها آسفالت‌ش کنند! حالا به گفته رئیس انجمن کوهنوردان ایران نوبت به احداث یک جاده ۴۰ کیلومتری در ارتفاعات علم‌کوه مازندران خبر داد! حالا معلوم نیست این موج آسفالت کردن طبیعت چرا راه افتاده؟ شاید اعتبار آسفالت به جای حیدی که در راستای هر چه پروفشنال‌تر کردن فوتال در کشورمان انجام گرفته آورده‌اند تماساگر از استادیوم به استودیو است! یعنی کاهش یک میم از آخر محل نشستن تماساگرها! والا... ما که متوجه نشیدیم این چه صیغه‌ای است دیگر...

بچه‌های مناطقی از شهر (نمی‌گوییم روستا همین شهرهای بزرگ!) هر بار که می‌روند نان بخرند بعد از برگشت از نانوایی باید یک بار بروند حمام!

تماشاگر نما

با توجه به آغاز فصل جدید مسابقات لیگ فوتبال پروفشنال ایران! یکی از اقدامات حیدی که در راستای هر چه پروفشنال‌تر کردن فوتال در کشورمان انجام گرفته آورده‌اند تماساگر از استادیوم به استودیو است! یعنی کاهش یک میم از آخر محل نشستن تماساگرها! والا... ما که متوجه نشیدیم این چه صیغه‌ای است دیگر...

نان گران شد!

به گفته یکی از اعضای اتحادیه نان، برداشت ناگهانی یارانه از روی آرد باعث شد تا قیمت آرد از ۳ هزار تومان به ۱۸ هزار تومان برسد و این یعنی متضطر باشید تا قیمت نان بیش از ۶ برابر گران شود! وی که این حذف ناگهانی را یک شوک می‌دانست اعلام کرد: نان غذای ابتدایی مردم است!

پدر می‌گفت توی دل چیزی داره می‌گفت مدام ته سرش می‌خاره می‌گفت حالش بد، بالا میاره می‌گفت مامان بره، ماما بیاره می‌گفت این قیمتارو که می‌بینه داش می‌خواهد بره تو باغ بشینه مشه و قوتی مامان حالش خراب بود ز میم همسایه گیلاس بچینه! پدر می‌گفت فشارش رفته بالا بکین ماما بیاد رو سر بابا دیگر با قیمت نان مطمئن باش پدر، در زیر خرج، زایده حلال!



بابا فرو!

نامه برخی از فدراسیون‌ها برای ابقاعی آبادی!

برخی از روسای فدراسیون‌های ورزشی کشور با نامه‌ای به احمدی‌نشاد خواستار ابقاء آقای علی‌آبادی در سازمان تربیت بدنی شدند! البته این که طبیعی است کاش به جای روسای فدراسیون‌ها، وزشکاران یک نامه‌ای، اس‌اس‌اسی، میسی... چیزی می‌زندند که آقا ما خیلی از آقای علی‌آبادی خیر دیدیم تورو خدا ابقاء شون بفرمایید! در زیر نامه فدراسیون ورزش‌های زورکارخانه‌ای رده سنی جوان و خردسال را با هم می‌خوانیم:

با سلام؛
اینجانب رئیس فدراسیون زورکارخانه‌ای کشور از جناب‌الی عاجزانه درخواست می‌کنم ما را پیتم نفرمایید و پدر مهریانمان را از ما نگیرید! ما گلط کردیم قول می‌دهیم خوب باشیم مدار بیاوریم آقا!

پدرمان خیلی مهریان است برای ما زحمت فراوانی می‌کشد، با ما می‌اید چین حالش را می‌بردا هر چی ما گوش به بازی مستیم و سال به سال اوضاعمان خراب‌تر می‌شود پدر با مهریانی به ما پول توجیهی می‌دهد و برایمان فاقاً لی با طعم میوه‌های استواری می‌خرد!

اگر پدرمان را از ما بگیرید مادرمان چه کار کند؟ بنده خدا دق می‌کند... دست شما درد نکن. رئیس ورزش‌های زورکارخانه‌ای

م.س.خ.ر.ر.

خط فقر کجاست؟

وزارت رفاه اعلام کرد: فقیر در کشور ما کم است!

چندی پیش آمار خط فقر در ایران و رشد سریع و بالای حجم قربانی زیر خط فقر در کشور توسط چند مرکز امارات مختلف اعلام شد و وزارت رفاه در واکنش به درخواست خبرنگاران در مورد اعلام خط فقر گفت: وظیفه ما نیست!

حالا با آغاز به کار دولت دهم به نظر می‌رسد یک وظیفه به وظایف وزارت رفاه اضافه شده که در مورد خط فقر هم صحبت کنند ایشان!

به همین خاطر اعلام کرد: این ادعای که فقرا در کشور رو به افزایش هستند کاملاً نادرست است و آمارها از کاهش معنی دار افاده زیر خط فقر شدید حکایت دارد. با توجه به این تجربیات، برنامه‌ریزی برای کاهش و حذف خط فقر مطلب نیز در حال اجراست!

این یعنی تا چند وقت دیگر طبق تشخیص این وزارت ما اصلاً فقیری نداریم و جمع کنید بند و بساط و خط فقرتان را! احتمال می‌رود در همان چند وقت دیگر اعلام خط فقر خودش می‌خواهد! به ما ثابت کند که در کشور ما محسوب شود! مثلاً "هو یره خط فقر، بیا اینجی بین!"

وقتی از وزیر محترم رفاه پرسیدند خب پس چرا این همه تفاوت بین آمارهای فقر وجود دارد! سه دلیل زیر را عنوان کرده‌اند:

۱- مفهوم فقر از نظر محققان مختلف ممکن است متفاوت باشد که به دلیل نوع نگرش اندیشمندان و محققان به فقر و تعریف آنها از فقر است!

۲- در اندازه‌گیری فقر روش واحدی که مورد توافق وحدت نظر تمامی کارشناسان این حوزه اعم از دولتی و غیردولتی باشد وجود ندارد!

۳- گاه ممکن است متغیرهایی که در سنجش خط فقر مورد بررسی قرار گیرد با هم متفاوت باشند!

در پایان و در جواب تمام دلایل منطقی جناب وزیر در مورد این که آمارها نشان از رشد فقر در جامعه می‌دهد و ایشان کلا ریشه فقر را کنده شده اعلام می‌کنند! خواهشمندیم با هر نگاه و تعریفی که با فقر دارند و با هر وسیله‌ای که می‌خواهند فقرا را اندازه‌گیریم (از جمله یکی که یکی را بیندازند داخل وان حمام بعد تفاوت حجم آب را اندازه بگیرند یا از راحت مثلاً با باسکول...) و با هر واحد اندازه‌گیری که دلشان می‌خواهد! به ما ثابت کند که در کشور ما فقیر کم شده!



هم قدم

به یک سفر می‌ماند، به یک راه که باید رفت، به یک مسیر، مسیر (شدن)؛ زندگی مان را می‌گوییم؛ زندگی این دنیا بیان راه، همراه می‌خواهد، هم قدم، همسفر. بعضی هم راه‌ها، فقط هم قدم هستند، مقصدشان یکی نیست. با هم راه می‌روند اما به هم نمی‌رسند. می‌گفت: بعضی هم قدمها می‌روند در جاده‌هایی که به هم می‌رسانند، یکی شان می‌کند. می‌گفت: ایمان شرط یکی شدن قدم‌هast تا مقصد. به همان تصویر پرسپکتیوی می‌ماند که در

یک سرش همه چیز به هم می‌پیوندند و در سر مقابله همه چیز از هم دور می‌شوند. استدلال این آیه‌ها را بینید! همقدمت باید اهل ایمان باشد، چرا؟ مردان و زنان مشترک شما را به سوی آتش می‌برند: اولنک!

ایرانی با نمک

ایرانی‌ها با نمکترین مردم جهان شناخته شدند! داشتمندان دریافتند در بدن هر ایرانی تقریباً ۳۰ کیلوگرم نمک قرار دارد! نه حالا ۳۰ برابر میانگین دنیا، نمک بود اما ایرانی‌ها ۳ برابر میانگین دنیا، نمک می‌ریزند! بی خود نیست که با نمک هم تشریف دارند دیگر!

* شاعر در اینجا و آواز ای بهار را به زیبایی رعایت کرده مخصوص کلاش هم که بعنی پادشاه قصه‌ها بایزی!



معرفی وبلاگ

<http://zehneziba16.blogfa.com/>
چی میل دارید برآتون بیارم؟ خواهش می‌کنم تعارف نکنید... یک پرس مخصوص فرهنگی؟ بی مزه است؟ چند سیخ کارشناس اقتصادی چطور؟ مزه‌اش را دوست ندارید؟ تکراریست؟ یک دست کله پاچه سیاست می‌زید؟ تلح است؟! اصلاً نظرتان راجع به یک بشتاب روانشناسی چیست؟ زیادی شیرین است!! می‌خواهید یک بشتاب روانشناسی باس سیاست! بیارم؟ اگر میل دارید پیشنهاد می‌کنم سری به وبلاگ "یک بشتاب روانشناسی باس سیاست" با مدیریت "پریزاد" فارغ‌التحصیل روانشناسی از دانشگاه علامه طباطبائی، بزنید که از فروردین ۸۶ تا به امروز هر از چندی محتوایش را به روز می‌کند.

دفاعیه!

دفاع می‌کنم از صنفی که مدافعت دین است اما کدام دین؟ دین در کاخ؟... دین در خرابات؟ دین در سیاست یا دین در صومعه؟ بله! اسلام بدون آخوند مثل طب بدون طبیب است اما آخوندی که زندگی اش از عرف طبلگی خارج نشده باشد که اگر شد روحانی نیست! کسی که بفهمد برای رسیدن به پادشاهی قناعت کافیست...

الی اللار. اما نوبت به مردان و زنان مؤمن که می‌رسد، دیگر "اولنک" ندارد. برای زوج‌های مؤمن، کفیل، خود خداست برای رساندشان تا بهشت. والله یدعوا الى الجنة و المغفرة ياذنه.

آخوند خداست که دستشان را می‌گیرد و تا بهشت و مغفرش می‌بردشان. نوشته شده در وبلاگ "به خاطر آیه‌ها"

هج فکر گردها!

اگر جمکران و اسب سوار نورانی را از صدا و سیما بگیرند مردم لغت انتظار را از واژه‌های قاموس زندگی پاک می‌کنند!! نوشته شده در وبلاگ "سو"



سرطانی به نام گناه

[اصدیقه السادات پهشتی]

اولش یک سلوول کوچک است، خیلی کوچک، با میکروسکوب هم به زور دیده می شود! یک است، می شود دو تا، چهار تا، ۱۶ تا و همین طور... یاد تقسیم سلوولی توی کتاب زیست یک دیبرستان افتادید؟ این هم شبیه همان است، فقط کمی طولانی تر و البته خطرا نک. اسمش سرطان است، سرطان اجتماعی بی اخلاقی و گناه توی جامعه، شروع می شود، رشد می کند و همه چیز و همه جا را خراب می کند، فرقی نمی کند که توی بدن آدم باشد یا توی جمع آدمها، مهم اتفاقی است که اگر حواس نباشد می افتد. گناهها و بی اخلاقی هایی که در طول یک روز توی جامعه می بینی را توی ذهنست بیاور. بعد با خودت فکر کن آن موقع که این اتفاق می افتد تو چه حسی داشتی؟ اصلاً بادت بود که این کار گناه و خلاف است یا نه از این که یک نفر جرأت کرده بود آن را انجام بدید توی دلت حظ کردی؟ جایی که ما داریم زندگی می کنیم، گشور ما، گشور ما و شهر ما یک فرقی با جاهای دیگر دارد و آن این است که علاوه بر همه نگهدارندهای درونی که همه آدمهای دنیا دارند ما یک نگهدارنده بیرونی داریم که ابته برای بعضی ها درونی شده و آن دین است. اما انگار زیادی سطحی به همه چیز نگاه کرده ایم که الان فساد و بی اخلاقی های بزرگ و کوچک توی شهر و کشورمان به وجود می آید، بزرگ می شود و همه جا را می گیرد. گاهی بعضی فرصت ها هستند که تلکرهایی به ما می زنند، مثل رفتن به یک سفر زیارتی یا روزه گرفتن. سال های اول روزه گرفتن مان را یادمان نمی رود که با تمام وجود سعی می کردیم دروغ نگوییم و اگر دروغی می گفتیم چه قدر احساس ندامت می کردیم طوری که روزه آن روز اصلاً به دل مان نمی چسبید.

ماه رمضان به جز صدای رینای استاد "شجاعیان" و اذان "مؤذن زاده اردبیلی" و بوی خوب هل توی چایی دم افطار و کاسه های چینی شله زرد و آش رشته با کشک زیاد و شب بشنیها و سریال های ماه رمضانی بعد از افطار، یک سری خوبی های دیگر هم دارد. یک روز ماه رمضان را توی ذهنست بیاور و بین آدمها چه طور خوب تر و مهربان تر و با اخلاق تر از قبل شده اند، توی اداره های دولتی که وارد می شوی هر چند همه کسل و خسته به نظر می آیند ولی انگار حواس شان بیشتر به این است که کار آدمها راه بیفتند. فروشنده ها با انصاف تر می شوند، گروهها و گناه های بزرگ، کمتر می شود. آدمها با ادب تر و محترم تر می شنود و خلاصه یک جورهایی جامعه گل و بلبل می شود. قرار گذاشته ایم که حتی الامکان توی این صفحه در یک ماه آینده هر هفته یک از سوء اخلاقی های جامعه مان را بگوییم و در موردش حرف بزنیم و بشویم، این اول راه است، منتظر بقیه اش هم باشید.

گزارشی از گناهها و بی اخلاقی های جامعه

اخلاق کیلویی چند؟!

جامعه ما یک سری اشکالاتی دارد که توی غر زدن های روزمره مان مثل رفت و آمد های تاکسی و اتوبوس مان و توی درد دل های مان زیاد حرفش را می زنیم ولی تا حالا ننشسته ایم فکر کنیم چه اشکالاتی دارد؟

توی این هوای گرم و کسل کننده و دل انگیز توی تاکسی نشسته ایم و مسیر طولانی را می گذرانیم، "هانیه" دانشجوی حقوق است و نقاشی می کند در جواب سوال من می گویید: "تا حالا این طوری فکر خردید شهر، که از همه قشرهای جامعه مشتری دارد. پسر جوانی که همراه مادرش در حال باشند. یا قانوونی های توی خیابان و از چراغ قرمز رد شدن ها و لایی کشیدن ها. اصلا همین کرایه های عجیب و غریبی که راننده های تاکسی ها از مردم می گیرند و اصلا معلوم نیست انصافشان کجا رفته؟" می گوییم فکر می کنید ماه مبارک اش ری روی مردم داشته باشد؟ با هیجان می گویید: "بله که دارد، خیلی مهم است، چون آدمها توی انجامش بدھیم یعنی این که از اعتقادمان برگشته ایم و سُست شده ایم، پس امکان این هست که باز هم اتفاق بیفتد.

تعزیف: اگر آدمها کارهای بد و خلافشان را برای هم تعزیف کنند و به هم نشان بدهند قبیح گناه را می ریزد و بدی اش دیده نمی شود، آن وقت نفر بعدی که شنونده یا بیننده یک کار غیر اخلاقی بوده، می شود کننده آن گناه. اصلا یکی از دلایلی که توی دین ما، اعتراف به گناه درست نیست شاید همین باشد که وقتی در مورد چیزی که بد است حرف می زنی، ناخودآگاه بدی اش از بین می رود. اصلاح نشان دادن گناه مثلا در دنیای تصویر هم بدی و قبحش را از بین می برد، فیلم های عجیب و غریب و خشن و نامربوطی که

توی این هوای گرم و کسل نشسته ایم و مسیر طولانی را می گذرانیم، "هانیه" دانشجوی حقوق است و نقاشی می کند در جواب سوال من می گویید: "تا حالا این طوری فکر خردید شهر، که از همه قشرهای جامعه مشتری دارد. پسر جوانی که همراه مادرش در حال باشند. یا قانوونی های توی خیابان و از چراغ قرمز رد شدن ها و لایی کشیدن ها. اصلا همین کرایه هایی که به آنها اعتقاد داریم، مثلا همین چند روز پیش رفت خردید، فروشنده به جان پدرها نسبت به بچه هایشان بگیرید تا بد قولی های مسئولین و عمل نکردن به وعده هایی که می دهند. این جور بدقولی ها آدمها را نسبت به همه چیز بی اعتماد می کند و خوش می شود باعث کارهای بد و گناه های دیگری که آدمها مرتکب شوند و اصلا فکر نمی کند که بد اصله توی جامعه آرامش روانی ندارم." بعد هم سر درد دلش باز می شود و کلی در مورد این آزار و اذیت روحی حرف می زند که ما هم کاملا موافقش بودیم. و سط این قصه ها می پرسم حالا به نظرت ماه رمضان کاری

شیوع بیماری گناه

فکر کرده اید که فقط آنفلوآنزا خوکی است که شیوع پیدا می کند؟ از یک نفر شروع می شود، سرایت می کند و همه جامعه را پر می کند و همه را مرضی می کند؟ باید بگوییم که نه! بی اخلاقی و گناه هم از آن چیزهایی هست که شروع می شود و اگر برای همه عادی بشود بیشتر می شود، آن وقت دیگر برای کسی قبحی ندارد. چند تا چیز هست که اگر در مورد گناه اتفاق بیفتد، گناه مثل آنفلوآنزا خوکی همه جا را پر می کند و این دفعه هیچ کس نمی داند که چه طور مهارش کند.

تکرار: اگر کاری را انجام می دهیم که فکر می کنیم اشکالی دارد و بار دوم هم

معنویت قرار می گیرند خیلی بهتر می شوند، همان مثل قدیمی است که چون زیانشان را بسته اند، بقیه کارهای شان هم بسته تر و با مرابت بیشتر است.

دو تا دختر جوان در حال رفتن به کلاس کنکور هستند که در مورد گناه های جامعه از آنها می پرسیم، می گویید: "همین جوان های بی کاری که توی خیابان راه می روند و حرفا های ناجور می زنند و اصلا هم فکر نمی کنند کار بدی است، بعضی های شان حتی نماز خوان هم هستند ولی این گناه را هم انجام می دهند، البته الان که نزدیک ماه رمضان است اوضاع بهتر می شود، این جور آدمها توی ماه مبارک رعایت می کنند."

می گوید: "بعضی چیزها هست که به ذهن ما نمی رسد گناه باشد، رعایت نکردن قانون بی اخلاقی های جامعه ما چه چیزهایی هستند؟"

استگاه اتوبوس ایستاده و حسابی از گرما کلاهه است می پرسم به نظرش گناهها و بی اخلاقی های جامعه ما چه چیزهایی هستند؟ می گوید: "بعضی چیزها هست که به ذهن ما نمی رسد گناه باشد، رعایت نکردن قانون است، مسافرهای زیادی هستند که موقع اتوبوس سوار شدن، بیلت نمی دهند و اصلا هم به نظرشان نمی رسد کار بدی انجام داده باشند. یا قانونی های توی خیابان و از چراغ قرمز رد شدن ها و لایی کشیدن ها. اصلا همین کرایه های عجیب و غریبی که راننده های تاکسی ها از مردم می گیرند و اصلا معلوم نیست انصافشان کجا رفته؟" می گوییم فکر می کنید ماه مبارک اش ری روی مردم داشته باشد؟ با هیجان می گویید: "بله که دارد، خیلی مهم است، چون آدمها توی انجامش بدھیم یعنی این که از اعتقادمان برگشته ایم و سُست شده ایم، پس امکان این هست که باز هم اتفاق بیفتد.

تعزیف: اگر آدمها کارهای بد و خلافشان را برای هم تعزیف کنند و به هم نشان بدهند قبیح گناه را می ریزد و بدی اش دیده نمی شود، آن وقت نفر بعدی که شنونده یا بیننده یک کار غیر اخلاقی بوده، می شود کننده آن گناه. اصلا یکی از دلایلی که توی دین ما، اعتراف به گناه درست نیست شاید همین باشد که وقتی در مورد چیزی که بد است حرف می زنی، ناخودآگاه بدی اش از بین می رود. اصلاح نشان دادن گناه مثلا در دنیای تصویر هم بدی و قبحش را از بین می برد، فیلم های عجیب و غریب و خشن و نامربوطی که

بعضی های نگاه می کنند هم از آن چیزهای است که باعث گناه می شوند!

تحسین: کم ندیده ایم آدمهایی که گوش خیابان ایستاده اند و به لایی کشیدن یا از چراغ قرمز رد شدن یک نفر، ایول می گویند! آدمهای زیادی هستند که ندانسته و نخواسته گناه و عمل بد اخلاقی را تأیید می کنند. این تأیید کردن یعنی اعلام موافقت یکی از اعضای جامعه با یک عمل غیر اخلاقی، پس بقیه جامعه هم می توانند بعدها موافق بشوند. مقایسه: مقایسه کارهای بد کوچک با کارهای بد بزرگ، یکی از چیزهایی است که گناه را زیاد می کند و انگار که آدم گناهکار برای خودش تأییدی پیدا کرده باشد، دیگر به زشتی و ناهنجاری کارش فکر نمی کند.

انجامش بدھیم یعنی این که از اعتقادمان برگشته ایم و سُست شده ایم، پس امکان این هست که باز هم اتفاق بیفتد.

تعزیف: اگر آدمها کارهای بد و خلافشان را برای هم تعزیف کنند و به هم نشان بدهند قبیح گناه را می ریزد و بدی اش دیده نمی شود، آن وقت نفر بعدی که شنونده یا بیننده یک کار غیر اخلاقی بوده، می شود کننده آن گناه. اصلاح نشان دادن گناه مثلا در دنیای تصویر هم بدی و قبحش را از بین می برد، فیلم های عجیب و غریب و خشن و نامربوطی که

آشنایی با طب "کایروپرکتیک"

فکر نکنید که کمر درد و گردن درد فقط مخصوص پیرمردها و پیرزن هاست، نخیر، با این روش های غلط مطالعه، نشستن و خم شدنی که جوانان امروز در پیش گرفته اند، کم کم سن بروز این دردها دارد پایین می آید. البته خیلی ها فکر می کنند که اگر کسی به این دردها ببتلا شد غیر از مالیدن پماد و خوردن قرص و دوا راه چاره دیگری نیست و در نهایت کار به جراحی می کشد؛ اما عملاً اینطور نیست بلکه راه غیر دارویی و غیر جراحی هم برای برطرف کردن مشکلات ستون فقرات و کمر درد و گردن درد و امثال اینها وجود دارد و آن استفاده از روش "کایروپرکتیک" است. حتماً گویید کایروپرکتیک دیگر چه صیغه ای است؟ این هفته می خواهیم کمی در مورد روش طب کایروپرکتیک بپردازان بگوییم. از نظر تعریف کایروپرکتیک علم بررسی رابطه بین ستون فقرات با اعصاب و بیماری هاست که می تواند با تنظیم ستون فقرات و وضعیت مهره ها باعث برطرف شدن بیماری شود. در واقع کایروپرکتیک لغتی با ریشه یونانی است که از دو کلمه chiro به معنی دست و practice به معنای با دست انجام دادن است. حتماً فکر می کنید که این روش درمانی خیلی تازه و جدید است ولی در واقع سابقه این علم به حدود ۲۰۰۰ سال پیش بر می گردد و حتی گفته شده که "بقراط" و "ابن سینا" هم از این روش برای درمان بیماری ها استفاده می کردند. ولی به طور رسمی برای اولین بار کالج آموزش کایروپرکتیک توسط یک پزشک امریکایی به نام دکتر "پالمر" در امریکا تاسیس گردید و البته در ایران هم این رشته توسط وزارت بهداشت تایید شده است. وقتی شما به مطب یک پزشک کایروپرکتیک مراجعه می کنید، او با استفاده از معاینه و همچنین بعضی وسائل تشخیصی مثل رادیوگرافی یا MRI اشکالات ستون فقرات را که باعث ایجاد درد شده تشخیص می دهد و با استفاده از فشار با دست آن ها رابه وضعیت طبیعی بر می گرداند (به زبان ساده هرجای ستون فقرات شما را که کچ و کنجل شده است، صاف و صوف می کند) دردهای پشت، کمر و گردن، ممکن است به علت ورزش نامناسب، بد نشستن و بلند شدن، بلند کردن بارهای سنگین، ضربه و یا تصادفات باشد. البته حالا منتظر نباشد که در همان جلسه اول معجزه ای اتفاق بیفتد و دکتر بیچاره تمام بالهایی که شما در مدت هایی مددید بر سر ستون فقراتتان آورده اید به یکباره رفع کنند، ولی مطمئن باشید که اگر حوصله به خروج بدھید و درمان را ادامه دهید مطمئناً به نتایج بسیار خوبی خواهد رسید. بنده شخصاً کسانی را می شناسم که با استفاده از این معالجات مشکل کمر درد یا گردن درد آنها به طور کامل برطرف شده است. در این روش از هیچ دارویی استفاده نمی شود، فقط ممکن است از ماساژ با دست یا بعضی دستگاه های ماساژ برای آماده کردن بدن شما جهت انجام کار اصلی استفاده شود و حد البته که کار اصلی توسط دکتر کایروپرکتور و با دست انجام می شود. امروزه از این روش برای درمان بسیاری از مشکلات مثل کمر دردهای مزمن، دیسک کمر، گردن درد، سر دردهایی مثل میگرن (در صورتی که علت آن به نحوی به ستون فقرات مربوط باشد)، و حتی در دوران بارداری برای پیشگیری از کمر درد و حتی ممکن به زایمانی طبیعی و راحت استفاده می شود. رشته تحصیلی کایروپرکتیک در حال حاضر فقط در خارج از کشور (مثل بعضی داشتگاه های آمریکا) وجود دارد و در مشهد هم در ۴، ۳ سال اخیر پزشکان کایروپرکتیکی که از خارج از کشور بازگشته اند، مشغول به کار شده اند. بد نیست امتحان کنید!



یک هشدار علمی درباره اصلاح الگوی مصرف

تخت گاز در اتوبار مصرف

[مهدی حسینی] دیگر مصرف مان داشت سر به جهنم می زد، به نظر می رسید دیگر از دست کسی کاری بر نمی آمد ایرانیان هم چنان به مصرف بی رویه خود ادامه می دادند تا این که یکی دست به کار شد، مقام معظم رهبری در پیامی به مناسبت آغاز سال نو، سال جدید را سالم مهمن خواندند و با ابراز امیدواری درباره غله قدرت ایمانی ملت ایران بر همه حوادث و تحولات این سال، افزودند: "با توجه به اهمیت حیاتی و اساسی مصرف مدیرانه و عاقلانه متابع کشور، سال جدید را در همه زمینه ها و امور، سال اصلاح الگوی مصرف می دانم." اهمیت و سبب این نامگذاری بررسی قرار دهیم و کمی به خودمان بیاییم به نظر می رسید ماشین مصرف ما توقف ندارد.

باید گفت ما در حیطه ارزش هایمان نسبت به نسل های گذشته خودمان دچار یک تحول عظمی ارزشی شده ایم؛ ارزش هایی مثل ساده زیستی و فناعت این روزها با بسیار کم رنگ شده اند و یا با ارزش های جدیدی مثل رابطه مصرف گرایی و شان اجتماعی جایگزین شده اند. این نوشه را به چشم یک هشدار بخواهید، هشداری که جدی تر خواهد شد اگر روزی یکی از این متابع خدادادی مان که موهبت الهی بر ما است تمام شود! آن روزها است که خون به پا خواهد شد!!

این مصرف کاز ایول دارد

* خانه هایمان در زمستان ها بیشتر شبیه کوره پز خانه است تا خانه! تبریزی مدیر عامل ساقی شرکت ملی پالایش و پیش فرآورده های نفتی در خصوص میزان مصرف گاز ایران گفته است: ایران بعد از کشورهای امریکا و روسیه در رتبه سوم طبیعی در ایران از ۶۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۱ با متوسط رشد سالانه ۱۰/۳ درصد به ۱۲۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۸ رسیده و پیش بینی می شود در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان مصرف به ۲۷۷ میلیارد متر مکعب برسد و با ادامه این روند در سال های آینده ایران به یک مصرف کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان تبدیل خواهد شد. این در حالی است که دولت در سال گذشته ۱۳۴ هزار میلیارد ریال یارانه گاز به مشرکان بخش خانگی تعلق داده است.

از ماست که بر ماست

* مرض قند و فشار خون مثل آنفلوآنزا خوبکی مسری نیست تمام رنجی که می برمی از خودمان می کشیم. سرانه مصرف شکر در ایران ۲۹ کیلو گرم است در حالی که میانگین مصرف شکر در جهان ۲۲ کیلوگرم می باشد و نیز تحقیقات کارشناسان نشان می دهد ایرانی ها ۳۰ درصد بیشتر از میانگین جهانی روغن مصرف می کنند و همچنین مصرف میوه در ایران ۴ برابر استاندارد جهانی است.

متوسط مصرف سوخت خودروهای بنزینی در کشورمان حدود ۱۱ لیتر در روز است در حالی که متوسط مصرف سوخت در کشورهای دیگر نظیر آلمان و ژاپن، ۲/۵، در انگلیس ۳/۵، در فرانسه ۱/۹، در کانادا ۶/۵ و در کشور آمریکا ۷/۳ لیتر در روز است

این ایرانی های فان خور

* می گویند نان است که بند جان است اما نه این قدر دیگر.. سرانه مصرف نان در ایران به گفته معاون وزیر بازگانی حدود ۱۶۰ کیلوگرم در سال است که نسبت به کشورهای اروپایی نظری فرانسه که ۵۶ کیلوگرم) و در آلمان (۷۰ کیلوگرم) بیش از ۲ تا ۳ برابر است و به اذعان رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یارانه نان طی ۵ سال اخیر به طور متوسط سالانه بیش از ۳۰ درصد رشد داشته است و در سال جاری این رقم بالغ بر ۲۶ هزار میلیارد ریال است و ادامه این روند طی ۱۰ سال آینده با رشد متوسط ۱۵ درصد بدون در نظر گرفتن افزایش یارانه نان، میزان یارانه پرداختی به ۶۰۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید.

یارانه های بی رویه سوخت

* پول ما ایرانی ها مثل این که حساب و کتاب ندارد مگر از راه حرام به دست می آوریم که این چنین راحت دودش می کنیم؟ براساس گزارش صندوق بین المللی پول، ایران دومین کشور جهان از نظر پرداخت یارانه انرژی با رقم ۳۷ میلیارد دلار می باشد. مصرف سرانه انرژی در ایران به ازای هر نفر بیش از ۵ برابر مصرف سرانه کشوری مانند اندونزی با ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت، ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۴ برابر کشور هند با یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون نفر جمعیت است که با مقایسه شاخص شدت مصرف انرژی در ایران با بسیاری از کشورهای جهان، شاهد وضعیت ناهمجارت بهره برداری انرژی هستیم. در بخش ساختمان و مسکن ایران بر اساس آمار و ارقام منتشره، متوسط مصرف انرژی به ازای هر متر مربع در ایران ۲/۶ برابر متوسط مصرف در کشورهای صنعتی است که در بعضی از شهرهای کشورمان، این رقم به حدود ۴ برابر می رسد.

مصرف گرایی یا فاجعه؟

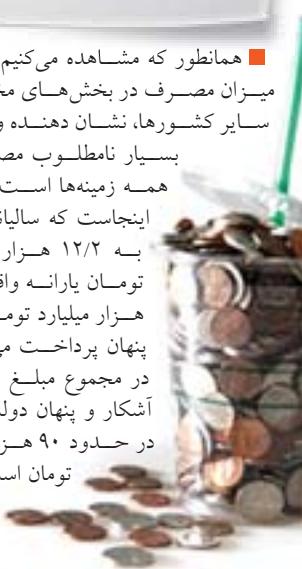
یاد می آید در یکی از همین شماره های جیم یک مصاحبه داشتیم، تیتر مصاحبه در ذهن مانده است آن تیتر این بود: "اگر مصرف گرایی فرهنگ شود فاجعه است" آنچه که گزارش های نهاده ای ذی ربط درباره مصرف می گوید چیزی بیش از یک فاجعه است! گویا مصرف گرایی فرهنگ شده و بدتر از فاجعه رخ داده است!

فاجعه ای به نام بنزین

* ویراز در خیابانها، تفريح بعضی هاست بر اساس گزارش، موسسه "مارکت اوراکل" ایران از نظر ارائه بنزین ارزان سومین کشور نخستین کشور در میان کشورهای جهان است و بیش از ۳۶ درصد کل مصرف بنزین خاورمیانه در سال ۲۰۰۷ در ایران مصرف گردیده است.

متوسط مصرف سوخت خودروهای بنزینی در کشورمان حدود ۱۱ لیتر در روز است در حالی که متوسط مصرف سوخت در کشورهای دیگر نظیر آلمان و ژاپن، ۲/۵، در انگلیس ۳/۵، در فرانسه ۱/۹، در کانادا ۶/۵ و در کشور آمریکا ۷/۳ لیتر در روز است. هر ۱۰ سال یک بار میزان مصرف سوخت در ایران ۲ برابر می شود اما این نرخ رشد در مقیاس جهانی یک تا ۲ درصد بیشتر نیست و میگرن (در صورتی که علت آن به نحوی به ستون فقرات مربوط باشد)، و حتی در دوران بارداری برای پیشگیری از کمر درد و حتی ممکن به زایمانی طبیعی و راحت استفاده می شود. رشته تحصیلی کایروپرکتیک در حال حاضر فقط در خارج از کشور (مثل بعضی داشتگاه های آمریکا) وجود دارد و در مشهد هم در ۴، ۳ سال اخیر پزشکان کایروپرکتیکی که از خارج از کشور بازگشته اند، مشغول به کار شده اند. بد نیست امتحان کنید!

■ همانطور که مشاهده می کنیم مقایسه میزان مصرف در بخش های مختلف با سایر کشورها، نشان دهنده وضعیت بسیار نامطلوب مصرف در همه زمینه ها است و جالبتر اینجاست که سالیانه نزدیک به ۲/۲ هزار میلیارد تومان یارانه واقعی و ۷۸ هزار میلیارد تومان یارانه پرداخت می کنیم که در مجموع مبلغ کل یارانه آشکار و پنهان دلت چیزی در حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان است.



وقتی مُد می‌شود مُد!

[سعید برند]

یک روز فرق وسط مد می‌شد، یک روز هم کلّاً فرق را بی خیال می‌شوند! یک روز آبی مد است یک روز قرمز، یک روز بلوز گشاد مد است و یک روز بلوز چسب و اندامی! یک روز شلوار ساسون دار روی بورس است و یک روز شلوار راسته، یک روز پاچه تفکی و یک روز پاچه آب رفته! مانتو که دیگر به روز نمی‌کشد و ساعت به ساعت تغییر مد می‌دهد! مهران مدیری یک کلمه توی سریالش می‌گوید و فردا می‌شود تکه کلام ۹۰ درصد مردم! فلان خواننده رپ که اصلاً معلوم نیست کی هست و از کجا آمد، یک مدل خاص رسیش می‌گذارد، فردا توی شهر خیلی‌ها همین رسیش را گذاشته‌اند! ظاهراً جوان امروز اوقات فراغت بسیار زیادی دارد که این‌قدر چشمیش به این‌جا و آنجاست! شاید هم خدا را شکر هیچ دغدغه و مشکلی به جز دغدغه مد لباس و خط رسیش و فرم ابرو ندارد! البته مد این‌طور نیست که مال کشور ما باشد، اتفاقاً رسیش و سر چشم‌هاش مال آنور آب است و دسته چندمیش می‌آید این‌ورا! ولی یادمان باشد که همیشه این‌دسته چندمها هستند که غیر بهداشتی و خطرناک‌اند! لاقاش این است که آن‌ها خودشان برای خودشان تصمیم می‌گیرند و مثل ما سرخوشانه در پی یک نظرکن نمی‌دوند!

چیزی که امروز بین جوان‌ها بیشتر از آنفلوآنزا خوبکش شیوع پیدا کرده است، "تب مدگرایی" است! خیلی‌ها همین جور و فقط برای این که متفاوت باشند سعی می‌کنند در حد پیغام‌جیب‌شان دنباله رو مد روز باشند و خیلی‌هم برایشان فرقی نمی‌کند که این مد از کجا و اصلاً برای چه بوجود آمده است! در عوض بعضی‌ها هم هستند که برای پوشاندن خلاء‌های شخصیتی‌شان در پنهانگاه مد پنهان می‌شوند. آن‌ها هر چیزی را که ندارند در ظاهر خود جست‌وجو می‌کنند. مد و مدگرایی تا زمانی که به نظرکن و اندیشه فرد رسوخ نکرده باشد شاید خیلی خطرناک نباشد! شاید خیلی مهم نباشد که جوان کت و شلوار پوش باشد یا تیپ اسپرت بزند! اما آن چیز که مهم است...

آیا مرام و مسلک سبیل کلفت‌های مو وزوژی سال ۵۷ برابری می‌کند با همین مو سیخ سیخی‌های ابرو برداشته "اوخره‌ای" ۸۸؟! اصلاً شاید همین توی سر زدن‌ها و گیر دادن به موهای فلان فوت‌پالیست کار را به این‌جا کشانده است؟! به نظر سطحی بینی و ظاهر پستانی جوان باشیم، مشکل کوتاهی مانتوها خود به خود حل می‌شود!

جز رو مَدِ مُد

[برایم ملکی]

ما مد را می‌توانیم یکی از راه‌هایی بدانیم که کمک می‌کند خود را در جامعه مطرح کنیم و وارد فعالیت‌های اجتماعی جدیدی شویم و با استفاده از همین شباهت‌ها سطح زندگی اجتماعی خودمان را تا حدی بالا ببریم. ولی انسان‌ها همیشه دوست دارند علاوه بر این که به دیگران شباهت‌هایی داشته باشند، با آن‌ها نیز تفاوت‌هایی پیدا کنند. البته این تمايلات همگی یک حالت نسبی دارند. یعنی این که در بعضی آدمها میل شبیه بودن به دیگر افراد جامعه خودش را بهتر نشان می‌دهد و در بعضی دیگر میل به متفاوت بودن. می‌توانیم مد را در اصل همین دو نیروی متصاد در درون انسان‌ها بدانیم. اما نکته جالب در مد و مدگرایی این است که هیچ‌گاه این دو نیرو با هم خودشان را نشان نمی‌دهند و تنها یکی از این دو نیرو می‌ماند و آن یکی سرکوب می‌شود؛



جامعه هم توان خرید آن را داشته باشند. اما دیگر آن لباس برای طبقه بالا یک امتیاز به حساب نمی‌آید و آن‌ها به دنبال یک لباس جدید می‌گردند تا دوباره از سایرین متمایز شوند. این‌گونه است که باز یک مد به وجود می‌آید و دوباره همان آش و همان کاسه و در نتیجه هر روز بر فروش درآمد تولید کنندگان افزوده می‌شود اگر به ابتدای مطلب نیم نگاهی داشته باشید می‌فهمید که همان دو نیروی تمايل به شبیه بودن و تمايل به فرق داشتن اینجا خودشان را بروز می‌دهند، در قسمت اول تمايل به لباس‌ها داشته باشند. شبیه بودن به طبقات بالا خودش را بروز داده و در قسمت دوم تمايز طبی طبقه بالا خودش را نشان می‌دهد.

اصلاً طراحان این مدها چگونه نظرها را طرف طرح خود جلب می‌کنند؟

طراحان و شرکت‌های تولید کننده همیشه به دنبال کسانی می‌گردند که بیشتر در چشم مردم باشند مثل بازیگران، ورزشکاران و انسان‌های موفق و پولدار. این کار دو دلیل دارد، اول این که گروه‌های پایین جامعه خیلی نمی‌توانند به دنبال مد بروند، دوم این که گروه‌های بالا همیشه در جلوی چشمان مردم قرار دارند و اغلب مردم می‌خواهند شبیه به آن‌ها باشند، به عبارت بهتر مد همیشه برای گروه‌های برتر اجتماعی در نظر گرفته می‌شود تا بقیه مردم از آن‌ها تقلید کنند. در این میان کسی سود نمی‌برد جز همان طراحان مد. یکی از اشکال‌های مد هم دقیقاً همین است، زیرا مد باعث می‌شود یک طبقه‌بندی غیر منطقی

۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

۵۰۵۵

غلب جوانان این دوره موها را به سمت بالا شانه می‌کردن، معمولاً سبیل می‌گذاشتند و رسیش را می‌تراشیدند. در این سال‌ها شلوارهای لی دم‌پا گشاد مدد شده بود. البته تریپ دانشجویی و روش فکری هم این‌طوری بود که موهاشان را بلند می‌کردند و کاپشن‌های شبکه‌نظامی و شلوارهای لی می‌پوشیدند! این مدل لباس تحت تاثیر مبارزانی مثل «چه‌گوارا» و «فیدل کاسترو» رایج شده بود.

۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

۴۰۵۵

در این دهه ۳ نوع مد وجود داشت. جوانان کوچه و بازار موهاشان یا ماشین بود یا آن‌ها را به یک طرف حالت می‌دادند، کت و شلوار ساده خاکستری با پیراهن ساده می‌پوشیدند. پچه فروفول‌های این دوره هم که عشق فرنگ بودند، موهای خودشان را با روغن‌های مختلف مثل روغن بادام چرب می‌گردند، کت و شلوار راهراه می‌پوشیدند و کراوات می‌بستند، البته باید گفت پیراهن یقدار با سرآستین‌های بیرون زده از کت جزو جدا نشدنی از پوشش آن‌ها بود. مد سوم هم مربوط به کلاه مخلعی‌ها بود. آن‌هایی که عشق فیلم فارسی بودند و کارشان چرخاندن زنجیر سر کوچه بود. موهاشان ویزویزی بود و سبیل‌های کت و کلفتی داشتند! این آقایان کت و شلوار مشکی با پیراهن سفید می‌پوشیدند.



لانه کردن مدل در ذهن

[مردم ملی] سرگذشت پوشیدن لباس و نحوه آرایش سر و صورت در کشور ما همیشه تابع یک پدیده اجتماعی بوده است، در ۴-۵ دهه گذشته آن چه بیش از همه چیز بر لباس و آرایش افراد تاثیر می‌گذاشت (عرف) بود. اغلب مردم و به ویژه جوانان علاوه داشتند هم رنگ جماعت شوند و از آن چه که عرف می‌پسندید پیروی کنند در واقع عرف بیش از مدل بر جامعه غالب بود. اما جوانان امروزی به دنبال خاص و ویژه بودن مستند. دوست دارند متفاوت باشند و این تفاوت تقریباً به هر قیمتی باشد برایشان جذاب است این که ظاهر خود را با آرایش خاص و لباس‌های مدل روز و متفاوت به دیگران معرفی کنند. دغدغه ذهنی سیاری از آنان پیش رفت با مدل روز شده است. اکنون مدل حرف اول را در تعیین لباس برای خیلی‌ها می‌زنند و عرف و فرهنگ تا حد زیادی به حاشیه رانده شده است. نباید فراموش کرد که هر کشور و جامعه‌ای شرایط اقليمی و فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی خاصی دارد. لازمه تغییر در پوشش افراد و تناسب آن با فرهنگ کشور و شرایط جامعه، فرهنگ‌سازی و تعریف الگوی مناسب است و صرف تغییر در اندازه و رنگ لباس‌ها تیجه بخش نخواهد بود. بنابراین فرهنگ‌سازی نیز نباید رنگ اجبار و تحملی به خود بگیرد که در این صورت قطعاً نتیجه ممکوس دارد. این دیگر بر عهده مسئلان و طراحان لباس کشور است که خلاقیت از خود نشان دهند و روی تولید لباس‌هایی با فرم‌ها و شکل‌هایی مانور دهند که هم متنوع و جوان پسند باشد و هم مطابق با ذاته ملی و اسلامی ما!

اندیشه‌ها در ورای لباس‌ها

لباس و آرایش در هر سرزمینی معرف موضوعی است، انواع لباس‌ها و مدل‌های می‌گوید: "برای تاثیر گذاری اویله هیچ‌گاه شناسن مجدد نخواهید یافت." بر همین اساس خوب است قبل از انتخاب رنگ و نوع لباس به مکان و جایی که قرار است از آن پوشش استفاده کنیم فکر کنیم. این موضوع شخصیت ما را متناسب با جایی که قرار است در آن حضور یابیم شکل می‌دهد و نحوه تفکر و غنیمت ما را به صورت عینی در معرض دید دیگران قرار می‌دهد. مدل در انتخاب لباس باید به گونه‌ای باشد که تفکر خاصی را به ما تحمیل نکند. یادمان نزود ما قرار است در انتخاب لباس و پوشش مدیریت داشته باشیم.



از کتاب تا ملاک انتخاب همسر

وقتی پشت ویترین یک مغازه بایستی، مدل‌های عجیب و غریب زیادی می‌بینی، حتی با خودت می‌گویی "عنی واقعاً کسی حاضر نیست"! کافی است سرت را برگردانی و به مردمی که از کنارت می‌گذرند نگاه کنی، خیلی‌ها همان تیپ مانکن مغازه را زده‌اند! نظرم به ۲ تا پسر جوان جلب می‌شود، خودشان را "وحید، م" و "علی برومندانش" معرفی می‌کنند و هر دو دانشجو هستند. وحید هنگام خرید خیلی به مدل بودن لباس توجهی ندارد، بیشتر برایش مهم است که لباس با ارزش‌های ذهنی اش همانگ باشد. او از یک مسئله کلهمند است: "شما اگر بخواهید به مدل روز لباس نپوشید، باید برای لباس مورد نظرتان کلی از مغازه‌ها و پاسازه‌های شهر را زیر و رو کنید! مثلاً آن بین شلوارهای لی، بیشتر دمپا گشاد مدل است، حالا اگر کسی بخواهد یک شلوار لی ساده بخرد، باید قبlesh یک کفش آهنه پایش کند!"

از علی در مورد تأثیر خانواده در انتخاب لباس می‌پرسم، جواب می‌دهد: "قبل از دوران دانشگاه

[۷۹]	[۷۸]	[۷۷]	[۷۶]	[۷۵]	[۷۴]	[۷۳]	[۷۲]	[۷۱]
------	------	------	------	------	------	------	------	------

[۶۰]	[۶۹]	[۶۸]	[۶۷]	[۶۶]	[۶۵]	[۶۴]	[۶۳]	[۶۲]	[۶۱]
------	------	------	------	------	------	------	------	------	------



۷۰۵۵
در این سال‌ها دویاره ژل زدن به مو مدد شد، از جمله مدهای موی آن سال‌ها می‌توانیم به فرق وسط، قارچی، کپ، آلمانی دور سفید و تیفووسی اشاره کنیم. شلوارهای ساسون دار، شلوارهای لی گشاد و بلوزها و تی شرت‌های رنگ و وارنگ و گل منگولی با کاپشن‌های خلبانی مدل این دوره بود.



۶۰۵۵
اغلب جوان‌ها ریشی نسبتاً بلند می‌گذشتند و موهای خودشان را به یک سمت حالت می‌دادند. شلوارهای راسته پارچه‌ای می‌پوشیدند و در زمستان اورکت‌های شبے نظامی را روی بافتی‌های یقه هفت به تن می‌کردند.



ای صحبت جوان‌هایی که به مُد راه می‌روند!

چشم درآرد!

خروسی، سیخ تو پریز! میکروبی، آناناسی، تنگ و ب وجود امده در قرن ۱۹ «چارلز فردیریک» در به نظر شما ما چقدر به پدیده مد اهمیت می‌دهیم؟ از ما نمود دارد؟ اصلاً به مد بودن خوب است یا خودی به نام «جوان» به وفور یافت می‌شود.

بیشتر با خانواده خرید می‌کردم و طبیعی بود که نظر آنها را هم می‌خواستم! اما از وقتی دانشجو شدم، احساس می‌کنم خرید با مامان و بابا یک جورابی خیمه و باید تنها یا با دوستانم به خرید بروم. البته این روند احتمالاً تا زمان تجرد ادامه پیدا می‌کند، چون بعد از تأهل آزادی اندیشهات را از دست می‌دهی و باید با همسرت خرید بروی و هر چه او گفت بخری!

وحید اعتقاد دارد مد تنها مربوط به لباس نمی‌شود، او می‌گوید: «مثلاً در حوزه کتاب‌خوانی تا همین چند سال پیش اکثر جوان‌های پائولوکوئیلو را می‌خوانند. بعد از یک مدت تکنیک‌های موقفيت، چگونه شاد زندگی کنیم، قورباغه و پنیر و... مد شد؛ در رابطه با موسیقی هم مد وجود داشته مثلاً یکی دو سال پیش آریان و بنیامین مد بود، بعد رپ و متال مد شد، انت که ساسی مانکن و رفیاقاش که اصلاً معلوم نیست چی هست!»

از علی نیز در خصوص دامنه مدگرایی سوال می‌کنم، پاسخ می‌دهد: «مدگرایی حتی می‌تواند افکار و بیش بعضی از آدمها را تغییر دهد! کسی را می‌شانتم که ملاکش برای انتخاب همسر این بود که حتماً در فلاں رشته تحصیلی، درس خوانده باشد. ظاهراً آن رشته در آن موقع مد بوده است، یا بینی و چشم و ابرویش فلاں مدل باشد! حالاً اگر فردا روز فلاں مدل بینی مد شد، باید با بینی این همسر ایده‌آل چه کار کرد؟!»

جا مانده از روزگار!

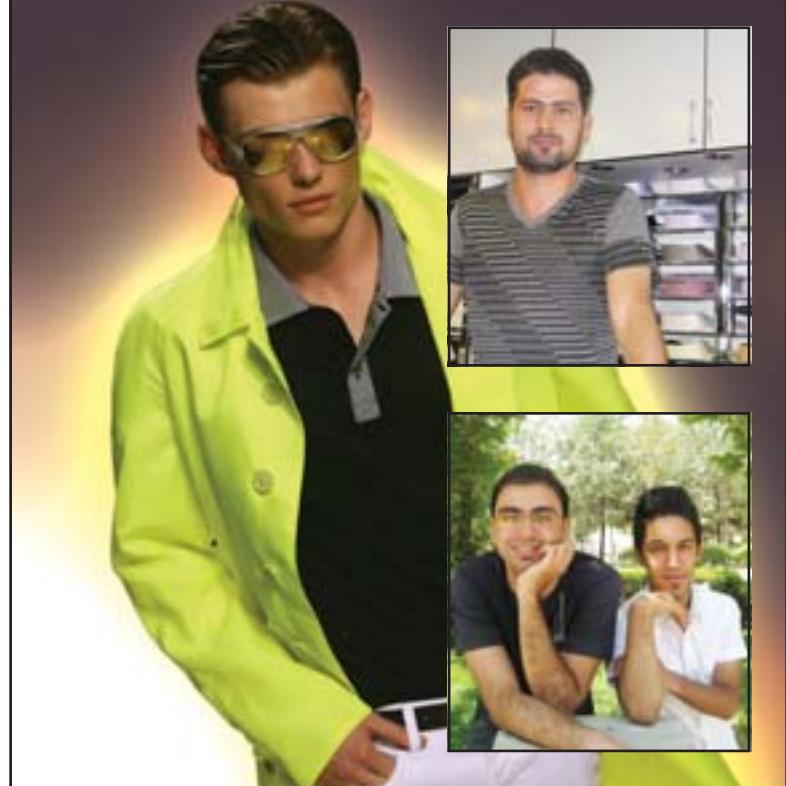
خیلی دنبالش گشتم، خیابان را چند بار بالا و پائین کردم. به پارکهای اطراف هم سر زدم. لاید می‌پرسید دنبال کی بودم؟ دنبال یک آدم که توی زمان خودش جا مانده باشد. دنبال یک پیرمردی بودم که قیافه و لباس‌هایش به مد روزگار جوانی اش باشد! خلاصه دنبال کسی که قیافه‌اش خیلی‌ها نوستالژی داشته باشد!

بالاخره پیدایش کردم، کت و شلوار مشکی با پیراهن سفید پوشیده بود و کفش پاشنه بلند نوک تیز به پا داشت. با این که سنی از

آب خوردن از کوزه سالم

اسمش رامین بود، ۳ سال سابقه کار داشت! قول خودش شوق و شغلش پوشک بیرون است: «توی بوتیک من ۲ چیز پیدا نمی‌شود؛ جنس خر و جنس بی‌کیفیت. همه جنس‌ها از آب گذشته هستند. مشتری‌ها با اطمینان خرید می‌کنند. خودم و همکار همیشه مد و رنگ سال می‌پوشیم. خلاصه این جوری نیست که بگوییم کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد. طرحی که مُد می‌شود لابد قشنگ بوده بعلاوه این‌ها را بهترین طراحان اروپا طراحی می‌کنند. پس چرا نیوشاپم؟ از هر قشری هم میان برای خرید اما بیشتر دانشجو و بازاری هستند. مشتری ثابت هم دارم که هر ۳-۴ هفته می‌آید و سراغ مدل و رنگ جدید رو می‌گیرد. البته بر عکسش هست، خیلی‌ها هم فقط به جنس و کیفیت لباس اهمیت می‌دهند و به مد بودن و نبودنش کاری ندارند. ما برای همه مشتری‌ها، همه جور لباس داریم. البته مجبوریم بیشتر روی مد و رنگ روز کار کنیم تا فروش اجتناسمان تضمین شود.»

آقا رامین آنقدر خوب و جذاب حرف می‌زد که فکر کنم هیچ مشتری نباشد که بدون خرید از مغازه‌اش خارج شود. کم مانده بود چند تا از تی شرت‌هایش را هم به ما قالب کند اما وقتی دست‌هایم را تا آرچ توی جیب لباس کردم و چیزی پیدا نکردم، بی‌خیال ما شد و فهمید حقوق ما به مد و این جور چیزها نمی‌رسد، نهایت بتوانیم برای اهل و عیال یک دو کیلو چند دقیقه یک بار از آن استفاده می‌کرد.



پیش‌بینی مدد در چند سال آینده دنیای وارونه

[براهیم ملک]
طبق گزارش‌های رسیده از منابع کاملاً سری و خفن، در آینده مد می‌شود که مردم دوست دارند مدام تغییر قیافه بدهنند. در آینده وضعیت مالی جراحان پلاستیک توب‌تر می‌شود، چون بعضی‌ها به خاطر این که چهره‌شان به مد باشد، با چهره «آقا عزت» می‌آیند مطب و با چهره «عزت خانم اینا» می‌روند خانه!

بعضی‌ها هم که توان مالی این همه تغییرات گسترده را در ابعاد وسیع ندارند، دلشان را خوش کرده‌اند به یک سری تغییرات جزیی! مثلاً دختر خانم‌ها موهاشان را یا ماشین می‌کنند یا آلمانی دور سفید می‌زنند! و به کلاس‌های پاورلیفتینگ می‌روند! آقا پسرها هم کفش صورتی پاشنه بلند می‌پوشند، گوشواره‌های قبایل آفریقایی که اندازه کف دست است را به نوک دماغشان می‌زنند! و خوشحال هم هستند که توی کلاس‌های ایروبیک ثبت نام کرده‌اند!

بعضی‌ها هم که این تغییرات را قبول ندارند سعی می‌کنند همان مدهای امروزی را به صورت پیشرفته ادامه بدهنند. این ادامه دادن تا آنچه پیش می‌رود که موهای سینخ کرده‌شان از قدشان بلندتر می‌شود. در ضمن نکته حیاتی در قیافه این دلبندان استفاده از متدهای اندازه‌گیری در لباس پوشیدن است، مثلاً باید مشتق سینوس زاویه نوک گوششان یکی باشد! یا بلندی آن برج دماغشان را بهترین طراحان اروپا طراحی می‌کنند. روی سرشان (!) هم عرض رادیکال دوسم قد مادر بزرگشان آن هم از نوع پدری باشد!

همچنین مد می‌شود که آقایان به جای سگک کمربند از جمجمه‌های واقعی حیوانات استفاده می‌کنند. نوع حیوان بستگی به میزان «اوا خواهی» شان دارد! اگر این میزان زیاد باشد، به جای سگک از جمجمه مرغ عشق، چفعک و کفتر استفاده می‌کنند و اگر این میزان در خونشان سیار رقيق باشد، از سگک‌هایی با جمجمه شیر و گاو و پلنگ استفاده می‌کنند!



توى اين سالها مدل‌های مختلفی برای مو ارائه شد. خروسی، آناناسی، میکروبی و انواع مدل‌های فشن! ابرو برداشتن در پسرها و خصوصاً تاتو کردن ابرو در خانم‌ها زیاد شد! تراشیدن ریش در اوایل این دهه مد بود ولی بعد از مدتی مدل ریش گروه مثال مد شد و امروزه هم که ریش اسپرت مد است. در این دوره تا دل تان بخواهد چندین مدل مختلف لباس مد شد از شلوارهای گشاد با بلند ریبی پیکرید تا شلوارهای تنگ فاق کوتاه و انواع بلوزها و تی شرت‌های گشاد و تنگ و اندامی!



دیگران چه کسانی هستند

چرا قضاوت‌های دیگران در باب رفتار، کردار و گفتار ما، تو را تا این حد مضطرب و افسرده می‌کنند؟
چرا دائمًا نگرانی که مبادا از ما عملی سر برزند که داوری منفی دیگران را از پی‌بیاورد؟

راستی این «دیگران» که گهکاه این قدر تو را آسیمه سر و دلگیر می‌کنند، چه کسانی هستند؟

ایا ایشان را به درستی می‌شناسی و به دادخواهی و سلامت روح ایشان، ایمان داری؟

بگو: ما تا زمانی که می‌کوشیم خود را خالصانه و عادلانه قضاوت کنیم، از قضاوت دیگران نخواهیم ترسید و نخواهیم رنجید.

* نادر ابراهیمی

وقتی دستور آتش بس را رعایت کرد که فشنگ‌هایش ته کشیده بود.
* پرویز شاپور

هر چه می‌خواهیم
آری

از همین امروز، از همین امروز
مال ماست. می‌دانی؟
دوست دارم!

همین!

این راز پنهانی از نگاه ساکتم پیداست،

می‌دانی؟

عشق من!

بی هیچ تردیدی

بمان با من

عشق یک مفهوم بی «اما» است

می‌دانی؟

* ماریا . م

خانه‌ام بی آتش،

دست‌هایم بی حس و نگاهم نگران...

می‌توانی تو بیه،

سر این قصه بگیر و بنویس

این قلم، این کاغذ،

این همه مورد خوب!

جرأت‌ش را داری که بینی قلمت می‌شکند؟

کاغذت می‌سوزد؟!

طاقدش را داری که بینی و نگویی از حق؟!

گفتن و اژه حق سنتگین است!

من دگر خسته شدم

می‌توانی تو بیا...

خالق مغرو در قرین دختر دنیا



[اعظمه عامل‌نگ] سال‌های زیادی از مرگ ناگهانی مارگارت میچل به خاطر تصادف با اتومبیل گذشته است. حالا در تمام دنیا او را با یک نام می‌شناسند: «بریادرفته!» مطمئن هستم این عنوان برای شما هم آشنا است. تقریبا در بیشتر نقاط دنیا خانم‌ها و آدمهای اهل رمان، بربادرفته و تهرمان مشهورش «اسکارلت اوهارا» را می‌شناسند. اگر نگاهی به زندگی مارگارت میچل بیندازید متوجه می‌شوید او خیلی هم تصمیم نداشته که یک نویسنده مشهور تک رمانی بشود و نقش خالق اسکارلت را بازی کند. میچل در شهر آتلانتا به دنیا آمد. پدرش رئیس انجمن تاریخ و مادرش یکی از فعالان دفاع از حقوق زنان بود. هر چند او در دوران رمان ده سال طول بکشد. در سال ۱۹۲۶ یک

اما بیوگرافی نویسان او می‌گویند او بیشتر از رفتار مودبانه خود که خاص اهالی جنوب آمریکا بود، عذاب می‌کشید تا بی‌ادبی دیگران. وقتی قرار شد فیلمی بر اساس رمان بربادرفته ساخته شود، زن سفیدپوستی در خانه میچل را زدن این زن می‌گفت که به کمک چوب پنه ساخته توی کیفیش می‌تواند نقش مامی (زن سیاهپوست) را بازی کند.

■ «سازنیک» تهیه کننده مشهور سینما یک ماه بعد از انتشار کتاب مبلغ ۵۰ هزار دلار بابت حق برداشت از رمان به میچل پرداخت.

■ اولین نمایش «بریادرفته» در سال ۱۹۳۹ به کارگردانی «ویکتور فلمینگ» و با بازیگری «بیویان لی» در نقش اسکارلت و «کلارک گیبل» در نقش «رت باتلر» در آتلانتا برگزار شد و با کسب ۱۰ جایزه اسکار، با استقبال بسیار خوبی پیوست.

نامهای تاریخی میچل از شهرت خوش

نمی‌آمد و از برخوردهای مردم آزرده می‌شد،



بیویان لی در نقش اسکارلت در فیلم بربادرفت

● پس از فروش پس گرفته می‌شود

● با تضمین کیفیت و قیمت

● با قیمت استثنایی و بی نظری

آرین

ونک افتتاح شد

VECTOR JEANS

شعبه مشهد

تولیدی پوشاک آرین ونک صاحب امتیاز و تولید کننده VECTOR JEANS

آدرس: جاده شاندیز، کیلومتر ۸، پوشاک آرین ونک تلفن: ۰۵۱۲۴۳۷۷۲۴۴۵

تلویزیون در تسخیر سریال‌های ماه رمضان

[علی نیک‌فاجم] اصولاً دلیل خاصی برای فعالیت‌های روتین تلویزیون در سال‌های اخیر وجود ندارد. البته باز هم مختصر نظم و انضباطی هم که در این برنامه‌ها به چشم می‌خورد غنیمت است. این نظم و انضباط هم برمی‌گردد به مناسبت‌هایی که در تقویم کشور ما وجود دارد و به عنوان خود شود که دست‌اندر کاران صداوسیما به فکر بیفتند و سهم خود را در این مناسبت‌ها ادا کنند. با این حساب از فعالیت‌های عمدۀ صداوسیما در ایام تعطیلات عید نوروز که بگذریم بزرگترین پروژه‌های مناسبتی آن به ایام ماه مبارک رمضان مربوط می‌شود، یعنی پخش مسلسل‌وار سریال‌هایی با موضوعات اعتقادی، طنز، پلیسی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی یا ماورایی در ساعت‌های پس از افطار. سریال‌هایی که اگر نیک به آن‌ها نگاه کنیم و نهایت سعی خود را بکنیم تا ارتقای بین آن‌ها و ماه مبارک رمضان پیدا کنیم حداقل در نود درصد موارد سعی مان بی جواب می‌ماند. این نقد از آن جهت نیست که بگوییم تهیه برنامه‌های جذاب تلویزیونی در ماه رمضان پیرامون برای مخاطب کار درستی نیست، بلکه بزرگ‌ترین ستوالی که برای ما پیش می‌آید این است که چرا مخاطب ایرانی در ساعت‌های پربرکت ماه رمضان، خصوصاً بعد از زمان افطار (کمتر از نیم ساعت بعد از افطار) با تعداد پیشماری از برنامه‌های تلویزیونی مواجه شود، تا دیگر هیچ زمانی برای مراسم عبادی دیگر و گفت‌گویی با اعضای خانواده باقی نماند؟ با این مقدمه بد نیست تا نگاهی به برنامه‌های اعلام شده از طرف سازمان صداوسیما برای ایام پیش رو داشته باشیم.



شب هزار و یکم

این مجموعه تلویزیونی دومین سریالی است که با موضوع جنگ و دفاع مقدس برای پخش در ایام ماه مبارک رمضان تدارک دیده شده است. «علی بهادر» در مقام کارگردان این سریال را براساس فیلم‌نامه‌ای از «محمد‌هادی کریمی» آماده کرده است.

او در این داستان، مجرای زندگی چند پیشک را روایت می‌کند که در زمان جنگ با هم در یک بیمارستان صحرایی مشغول به کار بوده‌اند و با پایان یافتن جنگ هر کدام از آن‌ها به دنبال زندگی خود می‌رود، اما حواشی باعث می‌شود آن‌ها از حال و روز یکدیگر باخبر شوند.

دانستن سریال با داستان زندگی دکتر موهبتی «دانیال حکیمی» آغاز می‌شود، او با همسر و دخترش سارا زندگی آرامی را پشت سر می‌گذارند اما با آمدن ذنی از جنوب، آرامش زندگی آن‌ها به هم می‌خورد، اکنون دکتر موهبتی و همسرش باید پرسش‌های دخترشان را جواب بدهند و او را با سرنوشت‌ش آشنا کنند... و همین موضوع زمینه‌ساز ادامه داستان می‌شود.

این مجموعه که فیلمبرداری آن در جنوب کشور در شهرک سینمایی دفاع مقدس آغاز و در تهران پایان یافت در شب‌های ماه رمضان هر شب ساعت ۲۲:۰۰ از شبکه یک سیما به روی آتشن خواهد رفت. بازیگرانی چون «علیرضا خمسمه»، «فخرالدین صدیق‌شریف» و «یوسف مرادیان» نقش‌های دیگر پژوهشکار سریال «شب هزار و یکم» را بر عهده دارند.

سریال سینما می‌شدن و بدون توجه به دنباله و پایان فیلم بیرون می‌آمدند و به سراغ سالن دیگر می‌رفتند، از فیلمی به سناپیو فیلم داشته باشند و تنها به تصویرهایی توجه داشتند که جدا از زمینه روایی‌شان بهانه‌ای می‌شد برای روایی و ساختارهای خیالی. آن‌ها در ساخت فیلم هم از موتورهای برای ایجاد فضای سورئال استفاده می‌کردند. چرا که موتورهای فیلم امکان می‌دهد که زمان و مکان را به کلی زیر رو کنند واقعیت و خیال را در نمایشی محسوس درآمیزند. بنابراین نمایه‌ای فیلم‌های بونوئل هم ریشه در این طرز فکرها دارد و همین طوری مثل بونوئل از زمین فکر کارگردان سبز نشده است. آقای منتقد بی‌پرو یک مقدار اطلاعات را زیاد کن.

در این لحظه منتقد در خلیه‌ای فرو می‌رود که به آن «آج مز شدن» گفته می‌شود و از نشانه‌های باز ماندن دهان است.

برتون، بونوئل و قلمرو سورئال
لوئیس بونوئل، لوئیس بونوئل، لوئیس بونوئل، لوئیس بونوئل، ... ۱۰۰ بار از روی اسم این کارگردان شهیر سینمای اسپانیا رونویسی کنید تا کاملاً یادتان بماند. این برگ برندۀ شما در بحث درباره سورئالیسم با یک متقد است. همین که کلمه سورئالیسم از دهانش بیرون پرید بگویید: آره، واقع‌لوئیس بونوئل با فیلم «سگ اندلسی» و فیلم‌های بعدی اش چه غوغایی در این عرصه به پا کرد! نه؟ (این نه آخری برای تأیید گرفتن از آن متقد است) اطلاعات بعدی که می‌توانید به این شوک اولیه اضافه کنید این‌هاست:

اولین‌های این سبک
(خطاب به آن متقد و با قیافه‌ای روشن‌فکرانه بیان شود) البته همان‌طور که می‌دانید بونوئل آغاز کننده این سبک نبود ولی خب مشهورترین کارگردان این عرصه است. اولین فیلمی که در این مکتب ساخته شد فیلم «صفد و مرد روحانی» ساخته ژرمن دولک در سال ۱۹۲۷ بود. فیلم بعدی هم «ستاره دریایی» اثر «مان ری» در سال ۱۹۲۹ بود. نه؟ (اینجا دو مین تأیید را هم از متقد بگیرید) اما تقریباً می‌توان گفت مشهورترین و بهترین و همچنین آشکارترین فیلم سورئالیستی آن زمان همان فیلم سگ اندلسی است.

آندره برتون
ولی من فکر می‌کنم اگر قرار باشد راجع به بونوئل و سینمای او بحث کیم کم لطفی است اگر به «آندره برتون» اشاره نکنیم. هرچه باشد او آغازگر مکتب سریال‌لیسم در سال ۱۹۲۴ بود. او و دوستش «لوی آرگون» که هر دو پژوهش امراض روانی بودند به نوعی نظریه «فروید» در مورد ضمیر پنهان را وارد عرصه ادبیات کردند و به هر حال امثال بونوئل‌ها سبک فکری خودشان را مرهون امثال ایشان هستند. (اینجا هم متقد ناگفته از غرولندی تأیید آمیز است)

فیلم دیدن سورئالیستی
بنابراین همان‌طور که مستحضر هستید سورئالیسم در واقع با جایگزین کردن مفهوم واقعیت برتر به جای عصیان و نفری موجود در دادنیسم شکل گرفت. به عقیده سورئالیست‌ها هر چیزی که در مغز انسان می‌گذرد (در صورتی که پیش از تفکر یادداشت شود)، مطلب ناآگاهانه، حرفاها خود به خودی (که بدون اختیار از دهان بیرون می‌آید) و همچنین رویا جزء مواد اولیه سورئالیسم به شمار می‌رود. به خاطر همین طرز فکر، سورئالیست‌ها به صورت غیرعادی به سینما می‌رفتند. آن‌ها وارد یک سالن سینما می‌شدنند و بدون توجه به دنباله و پایان فیلم بیرون می‌آمدند و به سراغ سالن دیگر می‌رفتند، از فیلمی به سناپیو فیلم آن‌که کوچکترین توجهی به سناپیو فیلم داشته باشند و تنها به تصویرهایی توجه داشتند که جدا از زمینه روایی‌شان بهانه‌ای می‌شد برای روایی و ساختارهای خیالی. آن‌ها در ساخت فیلم هم از موتورهای برای ایجاد فضای سورئال استفاده می‌کردند. چرا که

می‌رود که به آن «آج مز شدن» گفته می‌شود و از نشانه‌های باز ماندن دهان است.



پنجمین خورشید

مخاطبان سریال‌های ماه رمضان، کارگردانی به نام «علیرضا افخمی» را با مجموعه پرطرفدار پخش در عین فرسته بود» می‌شناسند، مجموعه خط‌شکنی که در عین داشتن یک داستان منسجم و حساب شده با وارد کردن عناصر متافزیکی به داستان زندگی یک خانواده ایرانی توانست شیوه جدیدی را در سریال‌سازی برای ایام مناسبتی پایه‌گذاری کند. وی همچنین مجموعه محظوظ و طنز «زیر زمین» را هم در کارنامه دارد که در زمان خود توانست جایگاه ویژه‌ای درین مخاطبیان پیدا کند. افخمی به توانمندی خود را در ساختن مجموعه‌های طنز و چندگی یک خانواده را تعریف کند.

سریال امسال او «پنجمین خورشید» نام دارد که براساس فیلم‌نامه‌ای از خود او و «سجاد ابوالحسنی» ساخته شده و روایتگر داستانی است.

در این قصه مهدی و همایون دو دوست هستند که در سال ۶۵ و در وضعیت بد اقتصادی زندگی می‌کنند آن‌ها بر اثر حادثه‌ای عیقده‌ای مرموز پیدا می‌کنند که قابلیت سفر در زمان را به آن‌ها می‌دهد. اما کم کم احساس می‌کند دوران خانه‌نشینی و استراحتش فرازیه دهند و به همین دلیل تصمیم می‌گیرد اموال و مسئولیت‌های خود را به دخترانش بسپارد، اما طرحی از پارک شرطی دارد.

«محمود عزیزی»، «شیرین بینا»، «برزو ارجمند»، «امیر آقایی»، «رحمه نوروزی»، «بهناز جعفری» و ... بازیگران «پاییز پدرسالار» هستند. اما نکته قابل توجه در

مورد این مجموعه حضور «چنگیز جلیلوند» در نقش پدر است. جلیلوند که سال‌های به عنوان یکی از مطرح‌ترین دوبلورهای سینمای ایران شناخته می‌شود به واسطه بازی در این مجموعه قرار است طی ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای از اول ماه مبارک رمضان هر شب ساعت ۲۰:۰۰ روی آنتن شبکه سه سیما باشد.

پاییز پدرسالار

«مسعود شاه‌محمدی» کارگردان نام‌آشنای است که در حوزه تلویزیون مجموعه پرطرفدار قابل توجهی دارد که مجموعه تلویزیونی «کلابتون» یکی از شناخته شده‌ترین آثار او به شمار می‌شود. شاه‌محمدی امسال در مقام کارگردانی پشت دوربین یک مجموعه مناسبتی به نام «پاییز پدرسالار» برای ایام ماه رمضان قرار می‌گیرد.

این سریال که در سی قسمت به سفارش شبکه دو سیما ساخته شده است روایتگر داستانی است که برخلاف سایر آثار مناسبتی در فضایی طنز یا ماورائی اتفاق نمی‌افتد و تنها قرار است ماجراه زندگی یک خانواده را تعریف کند.

شاه محمدی این مجموعه را بر پراساس طرحی از «جابر قاسمعلی» نوشته که درباره مرد متمولی به نام فخر است، او که روابط خوبی با دخترانش پوران، توران و لعیا و دامادهایش، خسرو و امیر دارد. اما کم کم احساس می‌کند می‌کند آن‌ها بر اثر حادثه‌ای عیقده‌ای مرموز پیدا می‌کنند که قابلیت سفر در زمان را به آن‌ها می‌دهد.

مهدی که با پدیده‌های جدید و دور از ذهن مواجه می‌شود دلیسته دختری است که در سال ۱۸۸۱ در تهران امروز خود را پیدا می‌کند. مهدی که با پدیده‌های جدید و دور از ذهن مواجه می‌شود دلیسته دختری است که نام هما می‌دهد. اما اتفاقات دیگر برای او می‌افتد که مجبور به بازگشت به سال ۶۴ می‌شود.

«شهرام قائدی»، «مهری سلوکی»، «حمدی گودرزی»، «مریم کاویانی»، «شبنم قلی خانی»، «نوشیروان ارجمند» و ... بازیگران «پاییز پدرسالار» هستند. اما نکته قابل توجه در سریال شنیدن شده است که در این مجموعه حضور «چنگیز جلیلوند» می‌باشد. جلیلوند که سال‌های در این مجموعه قرار است طی ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای از اول ماه مبارک رمضان هر شب ساعت ۲۰:۰۰ روی آنتن شبکه سه سیما باشد.

در پایان

مدت طولانی‌ای است که جدول زمانی برنامه‌های ماه مبارک رمضان تبدیل به میدانی شده است برای قدرتمندی سریال‌سازان و مدیران شبکه‌های سیما در عرصه جذب مخاطب بیشتر و در این میان توان و بودجه قابل توجهی به این میدان رقابت اختصاص پیدا کرده است.

با این حال مدیران سیما از مشکل جذب مخاطب برای ارتباط با مجموعه‌ها سخن می‌گویند. گویا ارزیابی متولیان امیر پیش و تولید بر این قرار گرفته است که بینندگان سیما از ساعت ۲۱ به بعد آمادگی دیدن چهار

بنابراین نظر ریاست محترم سازمان صداوسیما تجربه پخش سریال‌های سال‌های قبل نشان می‌دهد که پخش چهار سریال این مناسبتی در ماه مبارک رمضان کارگردانی می‌شود. همین علت پخش سه سریال در برنامه امسال سیما قرار گرفته است، ضمن آن که برخی سریال‌های پیشنهادی که در تلویزیون پخش شده بودند از شیوه‌هایی پیشنهاد شده بودند. این مجموعه قرار است طی ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای از اول ماه مبارک رمضان هر شب ساعت ۲۰:۰۰ روی آنتن شبکه سه سیما باشد.

لذا با توجه به درخواست‌های مکرر مردمی، ضمن هماهنگی با مرکز رسیدگی به امور مساجد تصمیم بر آن شده است که پخش برنامه‌های نمایشی ماه مبارک رمضان از شبکه‌های سیما یک ساعت بعد از اذان مغرب و افطار تعطیل گردد تا ضمن استفاده از پتانسیل مخاطب در توجه به برنامه‌ها، مردم بتوانند به برنامه‌های عبادی و حضور در مساجد بپردازند و سپس برنامه‌های تلویزیون را قاعده‌های سیما باشند.

ظاهراً سریال «مسافران» که درمدت کوتاه توانسته مخاطبان سیاری را جذب کند از این قاعده‌های سیما باشند.

سریال را ندارند. مدت طولانی‌ای است که جدول زمانی برنامه‌های ماه مبارک رمضان تبدیل به میدانی شده است برای قدرتمندی سریال‌سازان و مدیران شبکه‌های سیما در عرصه جذب مخاطب بیشتر و در این میان توان و بودجه قابل توجهی به این میدان رقابت اختصاص پیدا کرده است.

با این حال مدیران سیما از مشکل جذب مخاطب برای ارتباط با مجموعه‌ها سخن می‌گویند. گویا ارزیابی متولیان امیر پیش و تولید بر این قرار گرفته است که بینندگان سیما از ساعت ۲۱ به بعد آمادگی دیدن چهار



رأی تمام کسانی که از خانه دور می‌شوند

امان از جدایی!

[جچیه محدودبر] تا چند هفته دیگر نتایج کنکور می‌آید و معلوم می‌شود که چی و کجا قبول می‌شوید، آن وقت عده‌ای از شما باید باز و بندیل تان را جمع کنید و بروید یک شهر دیگر تا ۲ یا ۴ سال از زندگی تان را آن‌جا بگذرانید از یک طرف دل توی دل تان نیست و با دم تان گردو می‌شکنید که کنکور قبول شده‌اید و از خوشحالی توی پوست تان نمی‌گنجید و از طرف دیگر ته دل تان حساس یک غم و اندوه کوچکی می‌کنید، غمی که به خاطر دور شدن از خانواده و شهر تان سراغ تان می‌آید و وقتی بروید ثبت نام تازه می‌فهمید که این غم غربت است که روی قلب تان مستحکمی می‌کند و... (چه قدر گریه ناک شد) غصه نخورید شما از همین حالا می‌توانید تمرین کنید که چه جوری دوری ما را تحمل کنید.

غم غریت، دردی که چاره دارد!

اولش که ذوق و شوق سفر و قبولی دانشگاه نمی‌گذارد چندان غمی را احساس کنیم اما کم کم نه من غریبیم بازی مان گل می‌کند و هی هر شب یاد ولایت‌مان می‌افتخیم و دوست داریم مثل ابر بهاری اشک بریزیم، اما از قدیم گفته‌اند هر کاری چاره دارد. برای این که بهتر بتوانید با غم غربت کار پیاوید و کمتر احساس دلتگی کنید راهکار را پیشنهاد می‌کنیم که قبل از سفر حتماً جدی بگیرید:

دلهره‌آور است! اما همان قدر هم می‌تواند جالب و هیجان‌انگیز باشد، پس منفی نگاه نکنید بروید تقوی شهر چرخی بزیند و با آن آشنا شوید، بگذارید آدمها و مکان‌ها برای تان عادی شوند، یک بار که سوتی بدھید ترس تان هم می‌ریزد!

* به دنبال یک دوست
هی نشینید به روزهایی که با قبیر می‌رفتید
فرتیل فکر کنید و هی غصه بخورید که الان در
کناراتان نیست، توی محیط جدید هم می‌توانید
دوستانی حتی بهتر از قبیر پیدا کنید، کسانی
که علايق و اهداف یکسانی با هم دارید و
می‌توانید با هم شاد باشید. دوستی‌های جدید
آدم را امیدوار و خوشحال می‌کند، یکی از
دلایل مهم غم غربت از دست دادن عوامل
حمایتی از نظر عاطفی است، دوستان جدید
می‌توانند حامیان خوبی برای شما باشند.

* سیب زمینی نباشد
 همین طور مثل سیب زمینی ننشینید تا غم
 غریبتان خود به خود حل شود، خودتان
 را یک کم تکان دهید که اگر همین طوری به
 غمگینی تان ادامه دهید هم افسردگی می‌گیرید
 هم بیماری‌های جسمی مثل سردرد و خستگی!
 پس به چیزهای خوب فکر کنید، چیزهایی که
 بعد از فارغ‌التحصیلی به دست می‌آورید به این
 که برای خیلی‌ها همین روزهای خوابگاهی
 بهترین روزها و فرصت‌های عمدشان بوده است.

* برای خودتان یادگاری بودارید
چیزهایی که برای تان خاطره خوبی دارد یا
دوست شان دارید و اصلاً برای تان نوستالژی
دارد را بگذارید تا بار و بندیل تان و با خودتان
بپرید؛ از نظر علمی یک صدا، یک بو، یک مزه
و حتی یک منظمه می‌تواند یادآور خاطرات
خوب باشد و لازم نیست حقماً خواهرزاده‌تان
را با خودتان حمل کنید، یک کتاب، یک تابلو یا
یک شیشه عطر هم کارساز هستند. راستی اتاق
جدیدتان را مثل اتاق قبلی تان بچینید تا کمتر
احساس غربت کنید.

* خودتان را خالی کنید!
خودتان را خالی کنید اگر دل تان گرفته، با
یک نفر حرف بزنید تا خالی شوید البته منظور
روضه خواندن برای هم اتاقی تان نیست که
حالش از خود شما هم داغانتر است منظور
صحبت کردن با کسی است که خودش غم
غیریت را چشیده و می‌تواند با تجربه‌هایش به
شما کمک کند، خواهش می‌کنم دست از سر
پدر و مادر بیچاره تان هم بردارید و این قدر با
تلفن زدن آن‌ها را نچzanانید، اصلاً اگر کسی نبود
تا درد و دل کنید زنگ بزنید چیم ماین جای ادم
بیکار و سرخوش و با تجربه زیاد داریم!

* بی خیال غربت شوید
درست است که دیدن یک شهر جدید با
آدمها و آداب و رسوم جدید کمی ترسناک و

نوستالژی پرای ھمہ

وقتی دلم می‌گیرد!

جادایی از هر چیز و هر کس همیشه برای ما غم انگیز است و بعدها می‌تواند برای مان یک نوستالژی داشته باشد، این جادایی می‌تواند جادایی از دوستان باشد یا دوری از خانه به هر حال هر چه هست یک غم غربتی به همراه دارد! راستش را بخواهید غم غربت سن و سال نمی‌شناسد و تقریباً به سراغ همه می‌آید اما نوع ظهر آن با توجه به سن آدمها متفاوت است مثلاً کودکان و نوجوانان غم غربت خود را با گوله اشک ریختن و لب برچیدن نشان می‌دهند و اما آدم بزرگ‌ها بیشتر می‌روند توی خودشان و دپ می‌شوند بتهه میزان این دلتنگی و دپرسی به شخصیت آدم‌ها هم خیلی بستگی دارد برای همین در بعضی‌ها پر رنگتر از دیگران است، مثلاً کسانی که تجربه‌های خوبی از دوری از خانه و والدینشان ندارند و یا وابستگی شان به محیط و نزدیکانشان بیشتر است، غم غربت بیشتری هم تجربه می‌کنند و حتی ممکن است افسردگی هم بگیرند! در مقابل کسانی که شخصیتشان یک جوری است که پوست کلفت‌ترند و با هر محیطی خودشان را ورق می‌دهند و از کودکی توی خانه همسایه بزرگ شده‌اند! یا کلا از چیزهای جدید و مکان‌های جدیدتر لذت می‌برند کمتر غمگین و ناراحت هستند و دچار غم غربت می‌شوند! روانشناسان می‌گویند بیماری خانه چنان نگران کننده نیست و به مرور و با کثار آمدن فرد با محیط جدید برطرف می‌شود.

یا "بیماری خانه" همان صطلاحی است که روانشناسان برای غم غربت و دلتگی دوری از خانه و جادایی از نزدیکان استفاده می‌کنند همه ما تا قبل از این که عازم جایی بشویم و طعم غربت را احساس کنیم هی غر می‌زنیم که چه زندگی یک نواخت و عصاب خردکنی داریم و گندیدیم از این همه بیانات! اما همین که قرار می‌شود از این یکنواختی در بیاییم و بروم یک محیط جدید را تجربه کنیم داد می‌زنیم که امان از غریبی و دلتگی و خلاصه آدمیزاد است دیگر هیچ وقت به هیچ چیزی راضی نیست!! همه کسانی که زندگی مجردی در خوابگاه را توی یک شهر دیگر تجربه کرده‌اند می‌دانند که هنوز پای شان به شهر و مکان جدید نرسیده احساس خاصی دارند که همان اضطراب، دلشوره و ترس از مواجه شدن با محیط جدید و آدم‌های جدید است؛ بعد هم احساس تنهایی و غربت است که گریان آدم را می‌گیرد و آدم می‌رود توی خودش! روانشناسان معتقدند بیماری خانه یا همان غم غربت می‌تواند به خاطر جادایی ما از خانواده یا به خاطر دوری از شهر و دیارمان باشد که یک حالت طبیعی روانی است که تقریباً برای همه در هنگام دوری از دیار اتفاق می‌افتد و هر چه این جادایی و دوری بیشتر و طولانی‌تر باشد احتمالاً غم غربت هم شدیدتر است. وقتی غم غربت به سراغ کسی می‌آید ضطراب، دلتگی، سردرگمی، تنهایی و غمگینی را هم همراه خود دارد.



ثبت نام دانشجو بدون کنکور در مقطع کارشناسی دانشگاه جامع علمی و کاربردی،

دارای مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مرکز آموزش علمی کاربردی خبرنگاران آغاز شد

روشته های خبرنگاری، گرافیک، چاپ و نشر

برای اطلاعات بیشتر و دریافت مشاوره به پایگاه اینترنتی www.khabarnegarcollege.ir

مراجعه کنید و یا با شماره های ۸۶۷۸۸۱۴ و ۸۶۴۲۴۸۴ تماس بگیرید

مشهد - بلوار وکیل آباد - بلوار دانشجو - دانشجو ۴ - پلاک ۱۷

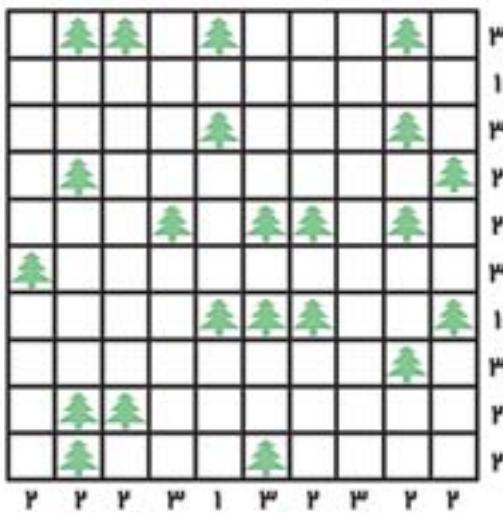
سربی جدید [۲۵]

[محمد مهدی رنجبر]

۶۵

همان طور که می‌بینید، تعدادی درخت در یک زمین شطرنجی کاشته شده. به تعداد درخت‌ها، چادرهای مسافرتی داریم و می‌خواهیم هر چادر را در خانه مجاور (افقی یا عمودی) یک درخت بگذاریم. اما از طرفی می‌خواهیم هیچ دو چادری با هم در دو خانه مجاور افقی، عمودی یا حتی مورب هم قرار نگیرد. به نظر شما چه طور باید این چادرها را در این محوطه قرار داد؟ اعداد بیرونی به شما می‌گویند که در هر سطر و ستون چه تعداد چادر باید گذاشته شود.

■ راهنمایی: ابتدا سعی کنید با مطالعه دقیق اطلاعات سطراها و ستون‌ها، جای برخی از چادرها را که فقط می‌توانند در یک خانه بنا شوند را پیدا کنید. ضمناً می‌توانید خانه‌هایی را که مطمئن هستید باید خالی از چادر باشند با ضربدر مشخص کنید.

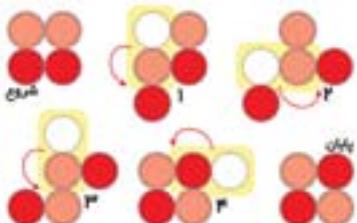


پاسخ معماهی سربی جدید (۲۱)

■ چند مریع: به این ترتیب ۲۱ مریع را ضرب غلط: با این جابجایی ارقام، عمل ضرب صحیح می‌شود.

$$\begin{array}{r}
 & ۳ & ۲ & ۴ \\
 \times & ۶ & ۸ \\
 \hline
 & ۲ & ۹ & ۹ & ۲ \\
 & ۲ & ۷ & ۴ & ۴ \\
 \hline
 & ۲ & ۵ & ۴ & ۳ & ۲
 \end{array}$$

■ چهارمهره: به این ترتیب می‌توانستیم با چهار حرکت به چینش دلخواه برسیم.



پیکفیک

همان طور که می‌بینید، برای هریک از سرگرمی‌های این صفحه، امتیازی در نظر گرفته شده است. دو نفر برنده ما در هر هفته، به قید قرعه از بین کسانی انتخاب خواهند شد که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشند. اما اگر نتوانستید با حل کردن تعداد زیادی از سرگرمی‌ها در این رقابت تنگاتنگ شرکت کنید، تا ایند نشوید و با حداقل امتیاز هم پاسخ‌تان را ارسال کنید. چون در آخر هر ماه به یک نفر از مخاطبانی که در ماه گذشته نامشان اعلام نشده است، جوازی نفسی تقدیم خواهد شد...

اما بزندگان! «علیرضا شهبازی» از مشهد و «علیرضا گلدار» از مشهد لطفاً جهت دریافت هدیه خود با ما تماس بگیرید.

- شما اگر طراح صفحه سرگرمی بودید، **چه معماهی** برای این کادر انتخاب می‌کردید؟!
- همان معما را برای ما ارسال کنید تا در اولین فرست به نام خودتان درج شود.
- سرگرمی ارسلای شما می‌تواند سخت یا آسان، علمی یا غیرعلمی، سرکاری یا جدی، تکراری یا جدید و خلاصه در هر قالبی باشد، اما باید:
- ۱| در قضایی که برایش در نظر گرفته شده بگنجد.
 - ۲| به همراه پاسخ و توضیح مناسب ارسال شود.
 - ۳| جدول کلمات متقطع نباشد!
 - ۴| رضایت ما را در رقابت با رقیان جلب کند.

معماهی خوانندگان | مریم حشمی از مشهد
پدری ۳ فرزند دارد که حاصل ضرب سن آن‌ها ۳۶ و مجموع سن آن‌ها هفته‌های فصل است، مشخص کنید سن این ۳ فرزند را.

۱۰

شکل متفاوت

به نظر شما اگر قرار باشد از این چهار شکل، یکی را به دلیل هم‌خوانی نداشتن با یقیه حذف کنیم، کدام شکل مستحق حذف شدن است؟! طبق چه استدلالی؟

■ راهنمایی: به خطوط داخلی رسم شده در شکل‌ها توجه کنید.



۲۵

هفت مداد



اگر بخواهیم شش مداد را طوری روی میز بچینیم که هر یک با همه پنج مداد دیگر در تماس باشد، می‌توانیم مدادها را به این شکل بچینیم. حالا شما بگویید اگر هفت مداد داشته باشیم و بخواهیم هر مداد با همه شش مداد دیگر در تقطیع باشد، باید آن‌ها را چه طور بچینیم؟!

■ راهنمایی: این نوع چینش جدید، نمی‌تواند روی میز انجام شود و بعد سوم هم باید وارد مسئله شود.

با تبریک به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان ماه ضیافت ا...
این مجموعه افتخار دارد در تمام ایام این ماه مبارک
پذیرای افطاری شما عزیزان روزه دارد باشد



سفره سرانه
پذیرایی افطار شامل:
آش رشته، شله و ...
ارائه انواع غذاهای سنتی
دیزی سنگی، کشک بادمجان
قورمه گوشت، کباب کوبیده
خورشت ماست، حلیم بادمجان
جوچه کباب با استخوان، جوجه کبابی استخوان

آدرس: بلوار فرامرز عباسی، بین عباسی ۱ و ۳ مجتمع تجاری آناهیتا، طبقه ۱ - تلفن: ۰۹۱۵۳۰۶۷۶۰۶ - ۰۶۰۸۰۴۷۹

Combined by

NOKTIZblogfa.com

THANKS OF

TEBYAN FORUMS

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=17239>

1388
2009

